

هشدار!

((...دعواهای ما دعوایی نیست که برای خدا باشد

... همه ما از گوشمان بیرون کنیم که دعوی ما

برای خدا است ما برای مصالح اسلامی دعا

می کنیم ... دعوی من و شما و همه کسانی که

دعا می کنند همه برای خودشان است...))

امام خمینی (ره) - صحیفه امام، جلد ۱۴ صفحه ۴۷۹



۱۰۰ تومان

سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

سال سی ام - شماره ۱۳۵۸ - نیمه دوم اردیبهشت ماه ۱۳۸۸

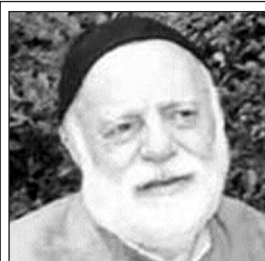


اتحاد مصر و رژیم

صهیونیستی در

جنگ با حزب الله!

صفحه ۲



به انگیزه چهارمین سالگرد ارتحال

عالم ربّانی و مفسر قرآن

معرفت و حقیقت کلام

الهی در آثار علامه

مصطفوی (ره)

صفحه ۵



در دیدار با معاون رهبر کیسای

شرق آشوری

آیت الله تسخیری: در

برابر الحاد و بی دینی

ایستادگی می کنیم

صفحه ۱۰

رهبر معظم انقلاب:

آیت الله بهجت معلم

بزرگ اخلاق و

عرفان و سرچشمه

فیوضات معنوی بی

پایان بودند

صفحه ۸

واکنش شدید علمای شیعه

و سنی به تکفیر شیعیان

توسط امام جماعت

مسجد الحرام

صفحه ۳



رهبر معظم انقلاب:

اهانت به مقدسات شیعه و سنی حرام شرعی و خلاف قانونی است

اند؛ خیلی ها هم به یاد آنها نیستند. ما نسبت به آنها دلسوزی داریم. این هم از خسارتهایی است که ضدانقلاب بر این استان وارد کرده است.

فرصت کار عمرانی را هم در یک برهه ای از زمان از این استان گرفتند. استان شما از جهات مختلف، یک استان بسیار بااستعداد است. اینجا میتواند سرمایه گذاری های خوبی انجام بگیرد؛ بنا بود در همان سالهای اول، کارهای زیربنایی بزرگی انجام بگیرد. اولین گروه عمرانی از سوی شورای انقلاب- قبل از تشکیل جهاد سازندگی- به کردستان آمد. آن زمان مرحوم شهید بهشتی (رضوان الله علیه) که رئیس شورای انقلاب بود، یک گروهی را برای عمران منطقه ی کردستان فرستاد؛ هنوز جهاد سازندگی هم تشکیل نشده بود. نظام میدانست که رژیم طاغوت با این استانهای دوردست و متفاوت از لحاظ زبان و لهجه و قومیت، چه کرده است؛ میخواست جبران کند؛ اما ضدانقلاب این فرصت را متأسفانه برای مدت چند سال از دست نظام جمهوری اسلامی گرفت.

ادامه در صفحه ۱۲

خداوند متعال برای همه ی آنها رحمت و مغفرت میخواهیم.

برادران و خواهران عزیز! جوانها! من این را عرض بکنم، شما جوانها باید در جریان این تاریخ بسیار عبرت آمیز در این منطقه و در مناطق دیگر قرار بگیرید. این، چیزهایی است که نسل جوان ما آنها را ندیده است؛ باید از آنها مطلع باشید. کسانی خواستند در این استان و در میان این مردم مؤمن و مهربان و صمیمی با انقلاب، نقشه های دشمن را اجرا کنند و پیاده کنند. اینها- همان کسانی که میخواستند به نام مردم کرد حرف بزنند- به مردم کرد ضربه زدند. امروز ما هم با خانواده هایی مواجه هستیم که فرزندانها در راه این مبارزه ی مقدس شهید شده اند، هم با خانواده های دیگری مواجه هستیم که فرزندانها فریب دشمن را خورده اند؛ آنها هم داغیده اند و مورد ترحم و همدردی ما هستند. آن خانواده مورد هائی که دشمن توانست جوان آنها را فریب بدهد و خون او را در راه اغراض فاسد آمریکا و صهیونیسم بکار بگیرد، آن خانواده ها هم گناهی نکرده اند؛ داغ جوانانها را هم دیده

ما به منطقه ی کردی- استان کردستان- و مناطق اقوام دیگر، با نگاه اسلامی نگاه میکنیم؛ نگاه اسلامی، برادری و اتحاد و همدلی و صمیمیت است؛ هر کسی که با این نگاه مخالفت کند و شیوه ی دیگری را انتخاب بکند، برخلاف سیاست نظام اسلامی رفتار کرده است. همه این حقیقت را دریافته اند که نظام اسلامی، مردم این استان را مردم خود و وفاداران به انقلاب و سربازان انقلاب میدانند. لذا در همان دورانی که در اینجا و جاهای دیگر، یک عده ایادی بیگانه به نام مردم کرد حرفهایی میزدند- که مردم کرد روحشان از آن حرفها خبر نداشت، آن روزی که در این استان و استانهای همجوار، دستهای شیطنت آمیز دشمنان به فکر فتنه و برادرکشی بودند، خود مردم این استان در صفوف مقدم قرار گرفتند؛ یاد مجموعه ی رشید و پرافتخار پیشمرگان کرد مسلمان هرگز از خاطره ی آن کسانی که مجاهدات آنها را دیدند، نخواهد رفت. به ارواح آنها- که پنج هزار و چهارصد شهید از مردم این استان به شهادت رسیدند- درود میفرستیم و به آن کسانی که از آنها باقی هستند و به خانواده های آنها سلام میکنیم. از

حضرت آیت الله خامنه ای در اجتماع عظیم مردم کردستان در میدان آزادی سنندج و خیابانهای اطراف، ضمن قدردانی از استقبال باشکوه و پرشور مردم صمیمی و با محبت کردستان از استقامت، هوشیاری و مجاهدت مردم مأمن، و با فرهنگ این استان تجلیل کردند. با هم بخشی از سخنان مهم ایشان را می خوانیم.

عزیزان من! این را همه بدانند؛ نظام اسلامی تنوع اقوام را در کشور بزرگ و سرفرازمان یک فرصت میداند. سنتهای مختلف، آداب و عادات مختلف و استعدادهای گوناگون و متنوع، یک فرصت است که اجزاء گوناگون این ملت بتوانند یکدیگر را تکمیل کنند؛ با مراودات درست و با همزیستی و اتحاد کامل. برای ملت ما این یک افتخار است که چنین نگاهی به مسئله ی تنوع اقوام دارد. علت هم این است که اسلام منبع الهام این نظام است و در این نگاه اسلامی، بین نژادهای مختلف و زبانهای مختلف- ولو از ملتهای گوناگون- تفاوتی نیست، چه برسد به اقوام مختلف در میان یک ملت. نگاه اسلام این است و نگاه نظام اسلامی هم این است. لذا است



اتحاد مصر و رژیم صهیونیستی در جنگ با حزب الله!

* به قلم: فهمی هویدی - نویسنده و روزنامه نگار شهیر مصری / * ترجمه: اسماعیل اقبال

من ادعای فوق را به آنچه که دادستان کل مصر در گزارش مربوط به موضوعات امنیتی کشور بیان کرده است، مستند می‌کنم. او در این گزارش از نقشه‌ای برای برهم زدن ثبات در مصر سخن رانده است که می‌تواند امنیت ملی مصر را تهدید نماید. از این گزارش این نتیجه حاصل می‌شود که حزب اللهی که در سال ۲۰۰۶ پس از پیروزی بر اسرائیل آوازه‌اش به آسمان‌ها رسیده بود، ناگهان در خلال ایام کوتاهی به یک دشمن بزرگ برای مصر تبدیل و محور شرارت اعلام می‌شود!

در اینجا ما باید به دو نکته توجه کنیم: نکته اول مربوط به آن چیزی است که در پشت این تبلیغات شیطنت‌آمیز قرار دارد و نکته دوم زمان انجام این تبلیغات است. درخصوص نکته اول ما بر این نکته واقفیم که در منطقه، طرفهائی هستند که آرزو می‌کنند تا حزب الله از صفحه روزگار محو شود و چنانچه این آرزو محقق نشد، آنها حداقل در تلاشند تا چهره حزب الله زشت و تاریک معرفی شود. این آرزو نه به این علت است که اعضای آن از پیروان مذهب شیعه هستند، یا نه بدین علت است که آنها متحد ایران هستند، یا نه بدین علت که آنها در لبنان به عنوان یک قدرت سیاسی مسلح به حساب می‌آیند که ممکن است در آینده نزدیک در انتخابات به پیروزی نائل شوند، بلکه چنین آرزویی تنها به یک علت است و آن اینکه حزب الله تنها گروه مقاوم در برابر اسرائیل است که برای اولین بار در تاریخ دولت عبری، توانسته است در رویارویی با آن رژیم به پیروزی برسد، و با پیروزی در میدان جنگ، این رژیم را به چالش بکشد.

اگر حزب الله از مقاومت دست بردارد و در بازی سیاسی وارد شود، ولو اینکه تمامی ویژگی‌ها و ارتباطات دیگر او همچنان باقی بماند، دیگر مورد دشمنی نخواهد بود و بخشیده خواهد شد، و شاید به سیدحسن نصرالله به خاطر قدردانی از تلاش‌هایش در فرآیند صلح، جایزه صلح نوبل نیز داده شود.

اگر مجاز بود تا ما در این خصوص با صراحت سخن بگوییم، طرفهائی را که منظورمان هستند، و نه تنها اسرائیلی و آمریکایی، بلکه لبنانی و عربی را نیز مشخص می‌کردیم. هرکسی که عناوین و تحلیل‌های برخی روزنامه‌ها و ماهواره‌های عربی را بخواند و ببیند، می‌تواند آن طرفه‌ها را با اسم و عنوان مشخص سازد.

اما زمان شروع این تبلیغات نیز، سوالات متعددی را برانگیخته است. سؤالی که در اینجا مطرح است، اینکه آن عضو حزب الله که متهم به رهبری گروه است و دیگر اعضای گروه، در ۱۹ نوامبر گذشته دستگیر شدند، اما مقامات مصری این موضوع را تا نهم آوریل، یعنی تا پنج ماه بعد اعلام نکردند.

همزمان با گرم شدن تبلیغات انتخاباتی مجلس لبنان، که در ۷ ژوئن آینده برگ-زار می‌شود و دو جریان ۱۴ و ۸ مارس در آن رقابت می‌کنند، ناگهان خبر این دستگیری اعلام می‌گردد. جریان ۱۴ مارس مخالف مقاومت است و طرفدار لبنان میانه‌رو است، جریان ۸ مارس با مقاومت همسو و خواستار لبنان مستقل است و سلطه و نفوذ آمریکا را رد می‌کند.

من نمی‌دانم آیا این همزمانی صرفاً یک تصادف بوده است یا خیر، اما آنچه که اتفاق افتاد

(زامبیای کنونی) بازی می‌کند. علاوه بر موارد فوق، دستگاه‌های اطلاعاتی مصر در آن زمان دو عملیات موفق برضد اسرائیل انجام دادند که از کشور ثالث بدون اطلاع آن کشور صورت گرفت. نخست اینکه بندر آیلات اسرائیل را در سال ۱۹۶۹ از طریق اردن بدون اطلاع دولت آن مورد حمله قرار دادند. دیگر اینکه در سال ۱۹۷۰، کشتی کاوشگر اسرائیلی را که به سوی خلیج سوئز در آبهای اقیانوس آرام در حال حرکت بود در سواحل آبیجان غرق کردند، مسئولان کشور ساحل عاج نیز هیچ اطلاعی از این موضوع نداشتند.

درست است که کلیه این اقدامات در زمانی دیگر و تحت رهبری دولتهائی از نوع دیگر اتفاق افتاد، اما این اقدامات را برغم مخالفت قانون با آن، سیاست، مجاز شمرده است. این اقدامات از جهت قانونی صرف درست نیست، چون قانون اجازه نمی‌دهد تا سرزمین دولتی با هر منظوری، بدون اطلاع آن دولت، مورد استفاده قرارگیرد، پس از نظر قانونی این اقدام، تجاوز به حاکمیت آن دولت در سرزمین خود محسوب می‌شود. این امر ما را بر آن می‌دارد تا بگوییم، این تمایل برای پیروزی بود که رژیم سیاسی مصر در دوران ناصر را بر آن داشت تا از اجرای قانون صرف نظر کند و با اقدامات ماجراجویانه، حاکمیت دیگر کشورها را نقض نماید، چون بنابر اصل مشهور شرعی که می‌گوید الضرورات تیبح المحظورات، آرزوی رهایی از استعمار نیز یکی از ضروریاتی بود که چنین اقدامات ممنوعه‌ای را مجاز می‌شمرد.

آنچه که در حال حاضر در مصر اتفاق افتاده است، بیانگر این است که امروز سیاست تمایلی ندارد تا از اجرای قانون چشم‌پوشی کند، بدین علت آنچه که این بار اتفاق افتاد، متفاوت از آنچه بود که در زمان ناصر اتفاق افتاد. این امر ما را بر آن می‌دارد تا بگوییم از جهت قانونی، تلاش حزب الله برای استفاده از قاهره جهت انجام هرگونه فعالیت ضداسرائیلی بدون اطلاع دولت مصر یا بدون تمایل دولت قاهره یک اشتباه است و راهی برای دفاع از آن نیست (ملاحظه کنید، من نمی‌خواهم بگویم اقدام یک جنبش برای به خطر انداختن ثبات و آرامش مصر یک کار درست است، همانطور که دادستان کل مصر در بیانیه خود اعلام کرد، چون ثبات و امنیت کشور جای منازعه و بحث نیست).

همچنین در برخورد قانونی با این قضیه نیز مشکلی وجود ندارد، خواه نظام سیاسی مصر تمایلی به پیروزی نداشته باشد یا خواسته باشد این حمایت را به شکل دیگری انجام دهد. اینها محاسباتی است که درخصوص آن، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد، اما مشکل زمانی نمایان می‌شود که بوقه‌های تبلیغاتی مصر در نحوه برخورد با این حادثه، بسیار فراتر از حد و قواره این حادثه رفته است، چون تبلیغات محافل سیاسی - رسانه‌ای مصری، اشتباه قانونی را که حزب الله مرتکب شده (اگر اصولاً چنین کاری کرده باشد) به یک حمله وحشیانه و ظالمانه تبدیل و آن را بیش از حد بزرگ کرده‌اند. آنها در برخورد با این حادثه از روشهای غیرمحترمانه‌ای استفاده کرده‌اند تا از ارزش حزب الله بکاهند و تاریخ و وجهه آن را بدنام سازند.

روشن نیست انفعال درمحافل تبلیغاتی مصرنسبت به موضوع حزب الله چه زمانی پایان می‌یابد، اما این نکته روشن است بحرانی که آتش آن موجب برافروخته شدن تحلیل‌های غیرواقعی وخارج از موازین شده است، به مصر بیش از سایر کشورها ضرر می‌رساند.

شگفت انگیز است؛ امروز اتهامی تحت عنوان تلاش برای قاچاق سلاح به غزه به حزب الله وارد می‌شود، اما مصر در دهه شصت چنین تلاشی را به عمل آورده است. در زمان جمال عبدالناصر هنگامی که رژیم مصر تصمیم گرفت تا از مواضع جنبش آزادیبخش ملی و مقاومت ضداستعماری حمایت کند، خود را ناگزیر دید از جنبش‌های مقاومت درسراسرقاره آفریقا حمایت نماید. این حمایت شامل قاچاق سلاح برای این جنبش‌ها از طرق گوناگون می‌شد.

هنوز تعدادی از افسران مصری که برآن عملیات نظارت داشته‌اند، درمیان ما زندگی می‌کنند، من با برخی از آنها صحبت کرده‌ام، اما بنا به درخواست آنها از ذکر نامشان خودداری می‌کنم، آنها برای من نحوه قاچاق سلاح به الجزایر را که در آن زمان در اشغال نیروهای فرانسوی قرار داشت، روایت کردند، من از آنها شنیدم که این عملیات از طریق زمین و دریا صورت می‌گرفت.

عملیات زمینی برای قاچاق سلاح در بسیاری از موارد از طریق خاک لیبی وتونس بدون اطلاع حکام آن کشورها صورت می‌گرفت. برای اینکه عملیات به هدف نهایی برسد، آنها به دیوارهای الکتریکی که فرانسوی‌ها به منظور جلوگیری ازقاچاق سلاح در مرزها ایجاد کرده بودند، نفوذ می‌کردند، اما عملیات دریایی بطور مرموزانه و فریبکارانه صورت می‌گرفت تا کشتی‌ها بارخود را در ساحل الجزایر پیاده کنند. یکی از آن کشتی‌ها غرق شد، اما ناخدای آن سرلشکر "حسن عاصم" نجات پیدا کرد.

برخی دیگر از این شاهدان، جریان قاچاق سلاح به یمن جنوبی را نقل کردند. در آن زمان یمن جنوبی در اشغال انگلیسی‌ها قرار داشت. مقامات مصری از منطقه‌ای به نام "تعز" دریمین شمالی نیروهای ملی در یمن جنوبی را به سلاح و تجهیزات نظامی مسلح می‌کردند. عملیات قاچاق سلاح به بسیاری از کشورهای آفریقایی چون تانزانیا، گینه و کنیا بارها تکرار شد.

شرکت واردات و صادرات "النصر" به عنوان پوششی برای عملیات حمایت و کمک به جنبش‌های آزادیبخش ملی در آن کشورها از سوی مصر، مورد استفاده قرار می‌گرفت. بدین علت شرکت یادشده یک دفتر دائم در پاریس بازکرد چون در آن زمان خطوط ارتباطی مستقیم با آن کشورها وجود نداشت، اما در بیشتر موارد دسترسی به این کشورها از طریق پایتخت فرانسه صورت می‌گرفت.

من از استاد "محمدفائق" که در آن زمان مسئول پرونده آفریقا در دفتر جمال عبدالناصر بود شنیدم که سلاح از رودزیای جنوبی به رودزیای شمالی قاچاق می‌شد، هنگامی که کنت کاووندا متوجه این امر شد، اینگونه واکنش نشان داد که نمی‌تواند نقش پلیس را برای حمایت از رژیم نژادپرست رودزیای شمالی

و تبلیغات دولت مصر علیه حزب الله، درنهایت با این هدف صورت گرفت که ماجرا به نفع جریان ۱۴ مارس در رقابتهای انتخاباتی جاری لبنان تمام شود، حتی گفته شده ۱۵هزار نسخه از روزنامه‌های مصری که به حزب الله دشنام می‌دهند، و رهبری آن را ناسزا می‌گویند و نگرانی از او را بزرگ می‌کنند، از قاهره به بیروت منتقل شد تا در تضعیف مواضع حزب الله در انتخابات سهیم و شریک باشند.

در تبلیغات شیطنت‌آمیز علیه حزب الله، مطبوعات مصر اشتباهات متعددی را مرتکب شدند که قابل بخشش نیست و این اشتباهات در عرصه‌های گوناگون اداری، اخلاقی و سیاسی علیه حزب الله صورت گرفت.

از جهت اداری، بوق‌های تبلیغاتی ما محاکمه را انجام دادند، محکومیت حزب الله را اعلام کردند و حکم اعدام سیاسی و ادبی را در حق آن اجرا کردند. تمامی این تبلیغات درحالی صورت گرفت که هنوز تحقیقات درخصوص این اتهام صورت نگرفته بود.

این مسأله در برابر قاضی طرح نشده بود و قاضی حتی یک کلمه درباره آن ننشیده بود.

در این خصوص آنچه که مطبوعات مصر اعلام کردند، بیانگر حجم بالای نفوذی است که دستگاه‌های امنیتی در فضای تبلیغاتی اعمال می‌کنند.

از جهت اخلاقی نیز ما شاهد سقوط موازین هستیم، چون مطبوعات دولتی مصر و ایستگاه‌های تلویزیونی که تحت تأثیرملاحظات امنیتی هستند، با صدای بلند به دشنام گویی و ناسزاگویی علیه حزب الله پرداختند، این امربیانگر این است که آنها با ناتوانی در ارائه دلیل با بیانی سخیف سخن راندند و به جای استفاده از روش گفتمان و بحث واقع گرایانه، زبان دشنام و ناسزاگویی را برگزیدند.

ازجهت سیاسی، برجسته‌ترین اشتباهاتی را که مطبوعات مصری مرتکب شدند، می‌توان اینگونه عنوان کرد:

× محافل تبلیغاتی مصر اهانت و ناسزاگویی علیه حزب الله را به نهایت خود رساندند، تا جایی که آنها خود را در سنگری واحد با اسرائیل یافتند.

بدین علت، اسرائیل از آنچه که از سوی قاهره برضد حزب الله صورت گرفت، استقبال نمود. اسرائیلی‌ها فرصت را از دست ندادند و در این شرایط و فضای تبلیغاتی، از حزب الله به عنوان دشمن مشترک قاهره وتل آویو سخن راندند.

× محافل تبلیغاتی ما تلاش برای قاچاق سلاح به غزه را محکوم می‌کنند، اما حتی یکبار هم به اشغال به عنوان مشکلی حقیقی اشاره نمی‌کنند، چون قاچاق سلاح به غزه در نتیجه

را حفظ کنیم و بیش از آن به وجود آن افتخار کنیم، باید با آن باروحیه دیگری برخورد کنیم. از او گله نکنیم، اما با او خصومت نورزیم. کارهای او را تصدیق کنیم، نه اینکه او را مجرم بدانیم، تا درنهایت او را برای خود نگه داریم، نه آنکه از دست بدهیم. متأسفانه مطبوعات ما این مفاهیم و ضوابط را زیر پا گذاشته‌اند؛ امری که قویاً این سؤال را مطرح می‌کند که: "در این وضعیت، ماهیت ارتباط میان تبلیغات و سیاست چیست؟"

بزرگ علیه امنیت مصر به حساب آورده‌اند. x ما تاکنون یک شناخت درست از این حقیقت که دشمن دشمن من، دوست من است، پیدا نکرده‌ایم، چون در پیگیری مطالب مطبوعات مصر به اشتباهات شگفت‌آوری بر می‌خوریم که می‌گوید "دشمن دشمن من، دشمن من است!" امضاء معاهده صلح میان مصر و اسرائیل، دشمنان اسرائیل را دشمنان ما نیز قرار داده است!

حزب الله مقاوم، پشتوانه‌ای است که باید آن

حزب الله بطور بی‌نهایت زیانبار عمل کرده‌اند، گویا حزب الله تناقض اصلی با مصر است، درحالی‌که حزب الله با مصر باید در سنگری واحد برضداسرائیل قرار داشته باشند. x اما آنچه که شگفت‌آور و تعجب‌برانگیز است اینکه مطبوعات ما، اسرائیل هسته‌ای را که بر توسعه‌طلبی و اشغال اراضی عربی اصرار دارد، به عنوان یک تهدید برای امنیت ملی مصر به حساب نیاورده‌اند، اما یک جوان را همراه با تعدادی اندک از دوستانش، به عنوان یک تهدید

اشغالگری اسرائیل است، این ضرورتی است که عده‌ای برای رویارویی با اشغالگری، به ناچار بدان متوسل شده‌اند.

x دستگاههای تبلیغاتی ما، میان تناقض اولیه و ثانویه تفاوتی قائل نشده‌اند.

تناقض نخست، میان مصر و تمامی اعراب با اسرائیل است. تناقض دوم آن چیزی است که میان اعراب و اعراب وجود دارد.

بدلیل خلط میان این دو تناقض، دستگاه‌های تبلیغاتی ما درحملات خود علیه

واکنش شدید علمای شیعه و سنی به تکفیر شیعیان توسط امام جماعت مسجدالحرام

سید حسن نمر این اظهارات را مخالف قوانین نظام کشور عربستان خواند و تصریح کرد : علما و اندیشمندان باید از اظهاراتی که بر خلاف قوانین کشور هستند و چهره عربستان را در جهان به صورت کشوری طرفدار تروریسم و کشتار معرفی می‌کند اجتناب کنند.

خطیب جمعه دمام شیعیان را جزئی از عربستان دانست و اظهار داشت : شیعیان عربستان وفاداری خود را به کشور و ملت ثابت کرده‌اند و به هیچ وجه اجازه افراطی‌گری و اظهارات طایفه‌گری را نخواهند داد.

حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبد الکریم حبیل خطیب جمعه "ربیعہ" عربستان نیز طی خطبه‌های نماز جمعه این شهر از پادشاه عربستان خواست تا شیخ عادل کلبانی امام جماعت مسجدالحرام را به دلیل کافر دانستن همه شیعیان در مصاحبه با شبکه بی بی سی از این سمت برکنار کند وی از تکفیر شیعیان توسط شخصیت رسمی کشور عربستان در برنامه زنده ابراز شگفتی کرد و افزود : امامت مسجدالحرام باید ملت را به وحدت و مسئولیت پذیری دعوت کند ولی این پست به جایگاهی برای صدور تروریسم و کینه تبدیل شده است.

شیخ عبدالکریم حبیل تصریح کرد : آیا شیخ کلبانی به نتایج این سخنان خود به خوبی توجه نکرده است و نمی‌داند که این اظهارات چه عکس‌العملی را از جانب جوانان افراطی علیه شیعیان در سراسر جهان به دنبال خواهد داشت

خطیب جمعه ربیعہ خواستار کنترل شدن اظهارات تکفیری شد و اظهار داشت: بهتر است پیش از آنکه جهانیان را به گفتگوی ادیان دعوت کنیم اظهارات و سخنان خود را در داخل امت اسلامی کنترل نماییم و با اظهاراتی که سبب فتنه و آشوب می‌شود برخورد کنیم.

وی در پایان خواستار عذرخواهی رسمی شیخ کلبانی شد و گفت : امام جماعت مسجدالحرام به دلیل این اظهارات باید به صورت رسمی از تمامی شیعیان عذرخواهی کند.

تکفیری با تمسک به سلاح تکفیر وحدت ملی و مصالح کشور را نادیده گرفته و به دیدگاه‌های مسئولان کشور مبنی بر وحدت توهین کرده‌اند.

وی افزود : ظهور شیوه تکفیر در مدارس سلفی که از عنوان مدارس و موسسه‌های رسمی کشور به شمار می‌آیند چهره عربستان را مشوش می‌کنند و این کشور را به عنوان حامی تروریسم معرفی می‌کنند.

حجت الاسلام و المسلمین صفار در باره تکفیر شیعیان به دلیل توهین به برخی از صحابه گفت : این اظهارات با دلایل سیاسی صورت می‌گیرد چون برخی از صحابه بایکدیگر مشکل داشتند و حتی به کشتار لعن فحش و بدگویی نسبت به یکدیگر پرداخته‌اند.

خطیب جمعه قطیف تاکید کرد : این به معنای موافقت ما با لعن و توهین نیست بلکه ما بارها نظر خود را درباره احترام به مقدسات یکدیگر اعلام کرده و خواستار احترام متقابل هستیم.

وی در پایان بر لزوم هم‌زیستی مسالمت آمیز ملت با یکدیگر تاکید کرده و خواستار دوری از اختلافات عقایدی و مذهبی شد.

حجت الاسلام و المسلمین سیدحسن نمر نیز اظهارات امام جماعت حرم مکی را عامل ویرانی و گسیختگی در میان مسلمانان و خدمت به استعمار عنوان کرد.

خطیب جمعه دمام عربستان طی خطبه‌های نمازجمعه این شهر از اظهارات شیخ کلبانی امام جماعت مسجدالحرام در خصوص کافر دانستن همه شیعیان به شدت انتقاد کرده و گفت : سخنان شیخ کلبانی که در گفتگو با شبکه بی بی سی صورت گرفت و در بسیاری از سایتهای اینترنتی منتشر شد سبب گسیختگی و ویرانی امت اسلامی خواهد شد.

وی افزود : نباید تصور کرد که این سخنان تنها در آرشیو شبکه "بی بی.سی" خواهد ماند بلکه امواج آن تمامی امت اسلامی را در بر می‌گیرد و هوشیاری برخی از مسلمانان و سواستفاده گروه‌های تروریستی را در پی خواهد داشت.

وی افزود: درحالی‌که جهانیان به گفتگو و تفاهم روی آورده‌اند این علما از منابری که باید بر روی آن مردم را به حق دعوت کنند به تکفیر جمعی از مسلمانان می‌پردازند که این عمل خیانت به امت اسلام است.

شیخ محمد حسن از سکوت علما و اندیشمندانی که ادعای اعتدال و عدم افراطی‌گری می‌کنند ابراز شگفتی کرد و اظهار داشت : علما و اندیشمندانی که ادعای اعتدال میکنند و از خطرات این گونه سخنان به خوبی آگاه هستند نباید سکوت و اختیار کنند و شاهد دشمنی و گسیختگی ملت باشند. وی دولت را به برخورد قاطع با این افراد دعوت کرد و گفت : دولت موظف است با کسانی که امنیت و وحدت ملت را هدف قرار داده‌اند برخورد قاطع بکند و باید بداند که در صورت سکوت شاهد گسیختگی و جنگ داخلی در کشور خواهد بود.

خطیب جمعه قطیف خواستار برکناری امام جماعت مسجدالحرام شد

حجت الاسلام والمسلمین شیخ حسن صفار خواستار برکناری امام جماعت حرم مکی به دلیل تکفیر تمامی شیعیان شد.

خطیب جمعه "قطیف" عربستان طی خطبه‌های نماز جمعه روز گذشته که در حضور جمع کثیری از شیعیان این شهر برگزار شد دولت عربستان را به برکناری شیخ عادل کلبانی خطیب و امام جماعت حرم مکی که در گفتگو با شبکه بی بی سی تمامی شیعیان را کافر عنوان کرده بود دعوت نمود.

وی افزود : کسی که جمع کثیری از مسلمانان را کافر می‌داند صلاحیت امامت حرم مکی را ندارد. شیخ حسن صفار خواستار عذرخواهی کلبانی از شیعیان شد و افزود : وجود این گونه افراد برای حکومت عربستان زیانهای فراوانی دارد و شیخ کلبانی باید از تمامی شیعیان به خاطر این اظهارات عذرخواهی کند.

خطیب جمعه قطیف از تمسک مدارس سلفی به سلاح تکفیر ابراز تعجب کرده و اظهار داشت: مدارس

مدرسه با وجود سخنان پیامبر اسلام (ص) تنها فرهنگ تکفیر مسلمانان را می‌شناسد.

الکتانی در پایان گفت : اگر خواستار وحدتی پایدار هستیم همه مسلمانان باید به اعتقادات یکدیگر احترام بگذارند و هیچ یک دیگری را و آنچه به آن اعتقاد دارد را مورد سب و دشنام قرار ندهد.

سخنان خطیب مسجدالحرام چراغ سبز کشتار مسلمانان است
حجت الاسلام والمسلمین شیخ عبدالمهدی کربلایی فتواهای تکفیری علمای سلفی را چراغ سبز به گروههای تروریستی برای کشتار مسلمانان توصیف کرد.

نماینده آیت الله سیستانی طی خطبه‌های نماز جمعه شهر مقدس کربلا که در حرم مطهر امام حسین (ع) برگزار شد از فتواهای علمای افراطی علیه شیعیان به شدت انتقاد کرده و گفت: علمای سلفی و افراطی با صدور فتواهای تکفیری علیه شیعیان گروه‌های تروریستی را به کشتار پیروان اهل بیت (ع) و تخریب مقدسات شیعیان دعوت می‌کنند.

وی افزود : سخنان یکی از علمای سلفی عربستان در شبکه "بی بی.سی" مبنی بر کافر بودن همه شیعیان چراغ سبزی برای کشتار مردم بی گناه به شمار می‌آید و این نشان دهنده بی‌اطلاعی این افراد از آموزه‌های اسلام مبنی بر وحدت مسلمانان است.

حجت الاسلام و المسلمین شیخ محمدحسن حبیب نیز اظهارات شیخ عادل کلبانی در شبکه بی بی سی علیه شیعیان را خیانت به امت اسلام و وحدت اسلامی توصیف کرد.

خطیب جمعه "صفوی" از مناطق برجسته شیعه نشین عربستان طی خطبه‌های نماز جمعه این شهر که در مسجد امام (رضاع) برگزار شد اظهارات شیخ کلبانی امام جماعت مسجدالحرام علیه شیعیان را به شدت مورد انتقاد قرار داده و گفت : این سخنان نشان داد که علمای سلفی همچنان به برنامه‌های خود برای شستشوی مغزها و کینه‌ای کردن مردم نسبت به یکدیگر ادامه می‌دهند.

در پی تکفیر شیعیان توسط امام جماعت مسجدالحرام در مصاحبه با شبکه خبری "بی بی سی" علمای شیعه نسبت به این اقدام واکنش‌های متعددی نشان دادند. به نظر می‌رسد از مهم ترین این واکنش‌ها سخنان خطیبان جمعه شهرهای شیعه نشین عربستان باشد که در فضای رخوت زده و خفقان عربستان بی‌واهمه به شیخ کلبانی انتقاد کرده و خواستار عذرخواهی او از تمام شیعیان شده‌اند.

یکی از علمای اهل تسنن سوریه نیز سخنان اخیر امام جماعت مسجدالحرام علیه شیعیان را به شدت محکوم کرد.

شیخ عبدالقادر الکتانی از علمای برجسته اهل تسنن در سوریه اظهارات اخیر شیخ کلبانی امام جماعت مسجد الحرام که در گفتگو با شبکه بی بی سی شیعیان را کافر دانسته بود به شدت محکوم کرد.

وی گفت: هنگامی که این سخنان را شنیدم بسیار تعجب کردم که این چنین فردی چطور شمار زیادی از مسلمانان را کافر می‌داند در حالی که پیامبر اکرم (ص) فرمود : "هیچ مسلمانی حق ندارد مسلمان دیگری که به وحدانیت خدا و نبوت پیامبر شهادت می‌دهد را کافر بداند". الکتانی با اشاره به اینکه این اظهارات در گفتگو با "بی بی سی" ایراد شده است تاکید کرد: این گونه اظهارات در شرایط حاضر که دنیای اسلام به وحدت نیاز دارد تنها منافع استعماری غرب را فراهم می‌کند و موجب از هم گسستگی دنیای اسلام می‌شود.

وی گفت : نمی‌دانیم چرا درحالی‌که دنیای اسلام روز به روز به سمت تقریب مذاهب می‌رود و سعی می‌کند با برگزاری کنفرانس‌ها میزگردها همایش‌ها و اجلاس‌های مختلف بین‌المللی اختلاف بین شیعه و سنی را به حداقل برساند علمای سعودی به سمت گسترش فرهنگ تکفیر می‌روند.

الکتانی افزود : علمای جهان اسلام پیرو مدرسه سعودی نیستند و هر فتوایی که از این مدرسه صادر می‌شود را قبول نمی‌کنند چراکه این

مصر پس از مبارک



پدرش، عملاً پای خود را به سطح اول سیاست در مصر باز کرده است. او با تسلط اختاپوس وار خود بر بسیاری از نهادهای اقتصادی این کشور و روابط مناسبی که با خارجی‌ها داشته، توانسته طبقه مرفه مصر را در همین سال‌های گذشته متمول‌تر کند و زدوبندهای فراوان او در تجارت بیش از همه گریبان طبقه متوسط مصر را گرفته به طوری که شکاف میان فقرا و اغنیا در مصر از زمان حضور او بشدت افزایش یافته است. او که بانکداری را به سبک کثیف انگلیسی‌اش در سال‌های طولانی حضور در لندن یاد گرفته به اعتقاد بسیاری در صورت رسیدن به قدرت، اقتصاد مصر را یکسره به عرصه تاخت و تاز بانک‌های خارجی تبدیل خواهد کرد. در سال ۲۰۰۵، حسنی مبارک با اصلاح بندی از قانون اساسی مصر امکان حضور چند نامزد را از یک حزب در انتخابات فراهم کرد؛ حرکتی که به اعتقاد بسیاری زمینه حضور جمال مبارک را در صحنه قدرت فراهم می‌کند چرا که در حزب دموکراتیک ملی مصر شخصیت‌های متعددی برای نامزدی انتخابات حضور دارند. این کار می‌تواند به موروثی شدن قدرت در خاندان مبارک در لباس دموکراتیک بینجامد. رسیدن جمال مبارک به رهبری حزب دموکرات ملی در سال ۲۰۰۷ باعث شد حسنی مبارک برای رفع نگرانی از سران ارتش جلسه‌ای فوری را با آنها تشکیل دهد و با گفتن اینکه تا آخرین نفس در قدرت می‌مانم خیال آنها را از عدم رئیس جمهور شدن جمال راحت کند. چندی بعد اخبار این نشست به ظاهر مخفی در روزنامه دولتی الاهرام انعکاس یافت و بحث و جدل‌های فراوانی پیرامون آن در گرفت، اما با همه این ابهام زدایی‌ها، بسیاری همچنان در مصر بر این عقیده اند که خروج مبارک از قدرت به معنای ورود بلافاصله جمال به کاخ ریاست جمهوری است و در این راه کسانی مانند عمر سلیمان، رئیس سازمان امنیت مصر تمام توان خود را برای تسهیل این جریان به کار خواهند بست، اگر چه این خاندان همچنان تلاش می‌کند زرمزه موروثی شدن قدرت در مصر را تضعیف کند و خود را جریانی کاملاً طرفدار دموکراسی و انتخابات آزاد نشان دهد.

منبع: The Nation

مترجم: مجتبی صادقیان

ماه بعد از آن حماس که قرابت‌های فراوانی با این جماعت دارد، توانست در انتخابات فلسطین به پیروزی برسد. حسنی مبارک هم برای مقابله با محبوبیت رو به رشد این جریان در مصر سیاست اخوان ستیزی در دوران سلطان فاروق را احیا کرد و از آن تاریخ به بعد صدها نفر از اعضای اخوان المسلمین بازداشت و حتی اعدام شده‌اند. با این وجود حسنی مبارک در عمل نمی‌تواند اخوان المسلمین و محبوبیت فراوان آن را در مصر و دیگر نقاط جهان اسلام از بین ببرد. بهانه مبارک هم در این قضیه کاملاً روشن است و او همیشه در پاسخ به انتقادات فراوان سازمان‌های جهانی نسبت به وضع حقوق بشر در مصر، پیمان صلح با اسرائیل را وسیله قرار می‌دهد و انتخابات آزاد را در این کشور به معنی روی کار آمدن جماعت اخوان و تقویت جبهه ضدهودی به کمک ایران و سوریه قلمداد می‌کند. این در حالی است که هیچ سند و مدرکی دال بر انجام حتی یک عملیات تروریستی از سوی جماعت اخوان المسلمین در نیم قرن گذشته وجود ندارد و این گروه صرفاً با انجام فعالیت‌های سیاسی و غیرنظامی در مصر به حیات خود ادامه داده است. اخوان المسلمین امروز در قبال احتمال خروج مبارک از قدرت مواضع خاص خود را دارد. اخوانی‌ها اعتقاد دارند حتی در صورت کناره‌گیری مبارک از قدرت نامزد واحدی را از جریان خود برای ریاست جمهوری معرفی نمی‌کنند و ترجیح می‌دهند برای حضور موثرتر با دیگر جریان‌های نیمه مستقل مصری ائتلاف کنند. فضای فکری و رسانه‌ای ایجاد شده پیرامون اخوان المسلمین از سوی مبارک شرایط را به نحوی کرده که بسیاری چون مقامات آمریکا گمان می‌کنند، اخوان جماعتی است کاملاً تروریستی و اگر به قدرت برسد برای نابودی اسرائیل تمام توان خود را به کار خواهد بست. اخوانی‌ها البته خود را سازمانی کاملاً معتدل و میانه‌رو می‌دانند و شعار اصلی خود را در شرایط فعلی جلوگیری از موروثی شدن قدرت در مصر قرار داده‌اند.

جمال مبارک، پسر ۴۵ ساله حسنی مبارک که از او به عنوان فرعون آینده مصر نام برده می‌شود، از سال ۲۰۰۲ و با بر عهده گرفتن ریاست کمیته سیاستگذاری حزب دموکراتیک ملی مصر از جانب

گفته تلاش می‌کند ایستاده در مسند قدرت بمیرد. سناریوهای فراوانی برای جانشینی مبارک مطرح می‌شود، ابراهیم عیسی، سردبیر جنگالی روزنامه "الدستور" در این باره معتقد است، از همین حالا نزاع بر سر قدرت میان نظامیان، تجار و شخصیت‌های سرشناس سیاسی آغاز شده است. اما مسأله اینجاست که مردم مصر اساساً از تجار متنفرد، شخصیت‌های سیاسی تصویر خوبی در اذهان عمومی ندارند و بنابراین شانس نظامی‌ها و ارتشی‌ها بسیار بیشتر از بقیه است. در حال حاضر نیز همین نظامی‌ها هستند که مصر را اداره می‌کنند و مبارک بدون اجازه آنها آب هم نمی‌خورد. ابراهیم عیسی که به دلیل صراحت بیان و مخالفت‌های فراوانش با سیاست‌های مبارک در مصر طرفداران زیادی دارد، بارها و بارها مورد حمله و سوء قصد دستگاه امنیتی مصر قرار گرفته است. دیوارهای دفتر خود را در شهر قاهره به تصاویری از سید حسن نصرالله مزین کرده و خود را یک انقلابی می‌داند. او درباره استبداد مصر می‌گوید: "مبارک تا ساقط نشود از قدرت دست برنمی‌دارد و وقتی جان داد جمال مبارک در هیئت شاهزاده مصر روی صندلی ریاست می‌نشیند، این را مطمئن باشید. آمریکایی‌ها هم خیلی دستشان خالی نمی‌ماند. سران واشنگتن ۲۸ سال پیش به بهانه صلح طلبی مبارک را خریدند. البته شاید تراژدی شاه ایران اینجا در مصر هم تکرار شود. در ایران هم آمریکایی‌ها با حمایت از شاه، شخصی مانند مصدق را حذف کردند. این عادت آمریکایی‌هاست که دیکتاتور تربیت کنند و در پاسخ به این اقدام همواره گروهی مبارز برای مقابله با آن دیکتاتور خواب آنها را آشفته می‌کند."

برای آمریکا و اسرائیل در مصر این گروه مبارز همان اخوان المسلمین است. جماعت اخوان بزرگ‌ترین و محبوب‌ترین بلوک مبارز و مسلمان در مصر محسوب می‌شود که البته فعالیت‌هایش با موانع قانونی در مصر مواجه است. این گروه بزرگ‌ترین اقلیت مجلس مصر را پس از پیروزی در انتخابات پارلمانی در دسامبر ۲۰۰۵ به دست آورد. دو

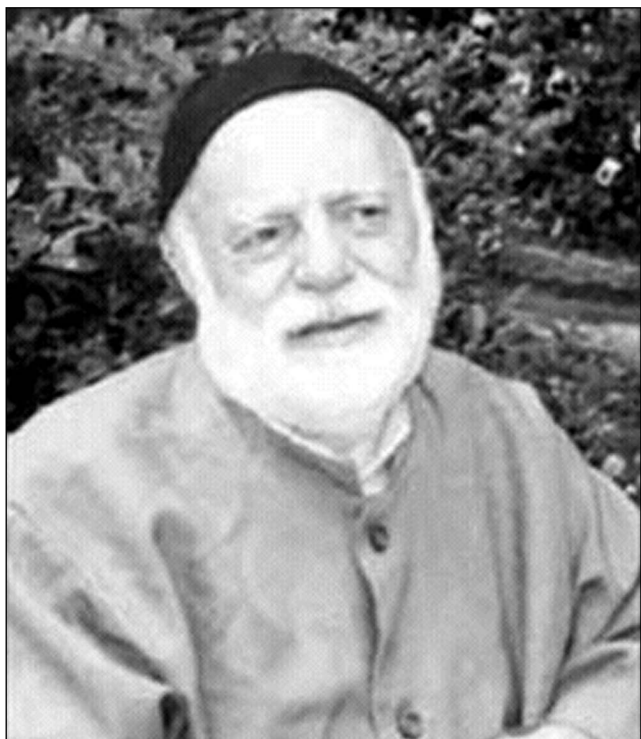
بزرگ مردمی را در خود دارد که می‌تواند مصر را در آستانه یک تحول بزرگ دیگر قرار دهد. نارضایتی عمومی از حکومت مبارک و موروثی شدن حکومت در خاندان وی آن هم در کشوری که مردمش سال‌ها پیش به سلطنت پادشاهی خاتمه دادند، می‌تواند به یک انتقال بزرگ در مسند قدرت در یکی از مراکز مهم سیاست در جهان عرب بینجامد. مبارک که در سال ۱۹۸۱ و پس از ترور انور سادات از فرماندهی نیروی هوایی مصر به ریاست جمهوری این کشور رسید، این روزها در ۸۰ سالگی عمر خود بسر می‌برد و سال‌هاست که از روح انفعال ملت مصر نهایت استفاده را برده و به مدد چراغ سبز واشنگتن برای محاکمه و اعدام مخالفان و کمک‌های میلیارد دلاری آمریکا به شکرانه پیمان صلح با اسرائیل در ۱۹۷۹ در تمام این سال‌ها با خیالی راحت بر مسند قدرت در مصر تکیه زده است، اما حال به نظر می‌رسد مبارک خود در روزگار پیری بهانه‌های بیشتری برای مضحکه شدن در اختیار مردم مصر قرار می‌دهد. او که در این سال‌ها اقدامات سؤال برانگیز زیادی انجام داده با اعلام جنگ علیه حماس در زمستان گذشته در غزه به اعتقاد بسیاری عملاً آخرین میخ را بر تابوت خود زد و بستر و زمینه نارضایتی عمومی را برای خود به اوج رساند.

حسنی مبارک هنوز تصمیم قاطع خود را برای شرکت در انتخابات ۲۰۱۱ و یک حضور شش ساله دیگر اعلام نکرده است و بسیاری از شنیده‌ها از احتمال تفویض قدرت به یکی از سران ارتش مصر یا پسر او جمال مبارک حکایت دارد. البته تنها گزاره‌ای که در این باره از دهان مبارک بیرون آمده در یکی از ملاقات‌های او با دوستان نظامی‌اش در ارتش مصر در سال ۲۰۰۷ بوده که

"قاهره همیشه در آتش" این عبارتی است که برای مردم مصر به یک لطیفه همیشگی تبدیل شده و گاه و بی‌گاه با آتش گرفتن یکی از ساختمان‌های مهم دولتی و غیردولتی در این شهر آن را به زبان می‌آورند. سال گذشته تعدادی از ساختمان‌های مهم و مرتفع قاهره باز هم به طرز اسرارآمیزی در آتش سوختند. در ماه آگوست طبقات بالای شورای مجلس مصر نیز سوخت در حالی که آتش‌نشانان دست خالی و بدون امکانات مشغول تماشای بودند. یک ماه بعد سالن تئاتر ملی مصر در قاهره طعم شعله‌های آتش را چشید. در ماه نوامبر گروهی ناشناس با حمله به دفتر حزب الغد، اعضای این حزب را که درون ساختمان مشغول برگزاری جلسه خود بودند غافلگیر کردند و در حالی که پلیس از نزدیک صحنه را تماشا می‌کرد این ساختمان را با بطری‌های آتش‌زا مورد حمله قرار دادند.

ناآرامی‌های ماه‌های گذشته در قاهره برای بسیاری در حکم تکرار حوادث ژانویه ۱۹۵۲ است که در آن بسیاری از اماکن و ابنیه تجاری و اداری شهر در آتش سوختند و جرقه یک حرکت بزرگ ایجاد شد تا در نهایت انقلاب آن سال در مصر رقم بخورد. حال مردم مصر با یادآوری آن دوران و نیز استبداد پیاده شده در تمام این سال‌ها از سوی خاندان حسنی مبارک، به شوخی و کنایه از سوختن دوباره قاهره می‌گویند و دوران دیکتاتوری مبارک را با آن دوران سیاه مقایسه می‌کنند. در حالی که مصر خود را برای انتخابات ریاست جمهوری سال ۲۰۱۱ آماده می‌کند و هنوز کسی نمی‌داند که حسنی مبارک خود در این انتخابات شرکت می‌کند یا خیر، حملات اینچنین در سطح قاهره و دیگر شهرهای مهم مصر نوید یک خیزش

معرفت و حقیقت کلام الهی در آثار علامه مصطفوی (ره)



معنای واقعی و حقیقی اش مشخص و روشن شده است و تمامی احتمالات و معانی و تفاسیر سست مردود شناخته شده است.

- تاریخ اسلام.

- تحقیق راجع به زندگانی و فرمایشات و سیره و روش امامان معصوم (ع).

- تحقیق راجع به دیگر ادیان الهی.

- علم کلام.

- علم رجال.

- علم اخلاق.

- عرفان و سیر و سلوک.

- حقایق و معارف الهی.

او انسانی کامل و محقق بزرگ و

بی نظیری بود. ایشان در سنّ بیست و شش سالگی در ضمن اینکه دارای دکترای الهیات بوده به عالیترین مرتبه و درجه اجتهاد نائل گردیده که توسط مراجع و دان-شمندان و بزرگان آن زمان نظیر آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی گواهی گردیده بود. او به چهار زبان تسلط کامل پیدا کرد: ترکی، عربی، فرانسوی، عبری.

وقتی در تهران اقامت نمود بعضی از بزرگان آن زمان، مخصوصاً آیت الله بروجرودی مُصرّانه از ایشان تقاضا نمودند که جهت تدریس به قم مراجعت فرماید ولی ایشان نپذیرفته است.

ایشان زندگی اش را از درآمد تألیف و نشر کتاب ها و نوشته هایی که تألیف میفرموده می گذرانده است.

اکثر علما و دانشمندان و اساتید دانشگاه وقتی متوجّه می شوند که چنین شخصیتی در شهر تهران سکونت دارد و روزانه دو ساعت یعنی ده تا دوازده صبح در محل دفتر انتشارات تشریف می آورد، در آنجا حاضر گردیده و از ایشان استفاده های علمی و معنوی می نمودند.

ایشان از آن زمان تا پایان عمر مبارک و شریفش را اکثراً در تهران زندگی کرده است. از دوستان معنوی ایشان در آن زمان، یعنی از سنّ بیست تا حدود سی سالگی بدین شرح مختصر می توان نام بُرد:

۵ انسان کامل و عارف بزرگ حاج ملا آقاخان زنجانی. که ایشان در شهر زنجان ایران زندگی می کرده و از نظر معنوی بسیار شخصیت قوی و بزرگی بوده است.

۵ استاد و عارف فرزانه حاج میرزا جواد آقا انصاری همدانی. که خود از علاقه مندان حاج ملا آقاخان زنجانی هم بوده و در شهر همدان ایران زندگی می نموده و شخصیت والا مقامی بوده است.

۵ جناب حاجی محبوب. که ایشان اصلیتش از آفریقا ولی ساکن شهر تهران بوده و کاملاً ناشناخته و مُرتاض بوده است.

۵ جناب آقا شیخ نورالدین خراسانی. که ایشان هم ناشناخته و مُرتاض بوده و ضمناً در علوم غریبه هم استاد و در شهر مشهد ایران ساکن بوده است.

هر یک از این بزرگان دارای فضائل و کرامات خاص و انسان های والا مقام و معنوی و خارق العاده ای بوده اند.

و این عالی مقامان اگرچه از نظر سنّی به مراتب بزرگتر از حضرت علامه بوده اند ولی با احترام و ادب خاصی با ایشان ملاقات و یا تماس داشته اند، به عنوان مثال در نامه ای از جناب حاج ملا آقاخان به حضرت علامه که در آن زمان علامه حدود سی سال داشته اند خطاب کرده و با این جمله شروع کرده است که "فدایت شوم".

× تألیفات:

علامه مصطفوی دارای تألیفات و نوشته هایی بیش از هفتاد جلد کتاب می باشند. نوشته های ایشان در زمینه های مختلف علوم الهی است:

- تحقیق در واژه ها و لغات قرآن.

- تفسیر قرآن در ۱۶ جلد به نام تفسیر روشن، به طوری که تمامی کلمات خداوند، منظور و

زندگینامه: در روز چهارم شعبان سال ۱۳۳۴ هجری قمری مطابق با سال ۱۲۹۷ هجری شمسی، خداوند جلوه ای از رحمتش را با تولد یکی از بندگان والا مرتبه اش در شهر تبریز منطقه آذربایجان ایران نشان داد.

حضرت علامه حسن مصطفوی دوران کودکی را در شهر تبریز در محضر پدر بزرگوارش آقا شیخ عبدالرحیم زندگی کرد. پدرش آقا شیخ عبدالرحیم فرزند شیخ مصطفی از دانشمندان شهر و مشهور به زهد و تقوی بوده است.

نقل می کنند که او دارای روحیه ای بسیار لطیف و صاف، و با اینکه از نظر علمی صاحب رأی ولی همیشه در سکوت و تواضع کامل به مردم خدمت می کرده است و چ-ون از نظر مالی در شرایط بسیار خوبی بوده است کمک های زیادی هم به آشنایان داشته است.

چندین حاشیه نویسی و توضیحات و تحقیق و بررسی در خصوص کتب اساسی فقه و اصول اسلامی از ایشان، بیانگر قدرت و تسلط علمی او در آن حیطه می باشد. او انسانی کاملاً معنوی و قابل احترام در میان مردم بوده و در سن پنجاه و هفت سالگی مرحوم شده است.

مادرش فاطمه و مادر بزرگش از سلسله سادات صحیح النسب و جلیل القدر تبریز بوده است.

دوران دب-ستان و دبیرستان را بصورت فوق العاده و استثنایی در شهر تبریز ایران گذراند و در ضمن، شروع به درس ادبیات عربی و علوم پایه اسلامی نمود.

بعد از مدت کوتاهی از بدو ورود به مدرسه، اولیای مدرسه متوجّه شدند که وی دارای هوش و استعداد استثنایی و عالی می باشد به طوری که دروس مدرسه را به راحتی و آسانی چند کلاس و مرتبه را در یکسال می گذراند.

در ضمن دروس مدرسه و اخذ دیپلم، شروع به درس ادبیات عربی و علوم اسلامی نمود که در سنّ پانزده سالگی تا پایان کتاب رسائل و مکاسب که قسمت مهمی از علوم دینی می باشد را به پایان رسانیده و سپس در سالهای بعد در دانشکده الهیات تبریز (معقول و منقول) موفق به اخذ لیسانس و سپس دکترای الهیات گردید.

از سنّ شانزده سالگی تا بیست و سه سالگی را در قم و از بیست و سه سالگی تا بیست و پنج سالگی را در نجف اشرف به تحصیلات علوم دینی و اسلامی مشغول گشت.

سپس مجدداً به قم مراجعت و به مدت یکسال به تدریس تفسیر قرآن و علوم مرسومه مبادرت فرمود و در بیست و شش سالگی به تهران عزیمت و در همان سال ازدواج نمود.

در تبریز از اساتید مُبرّز و توانمندی چون آقا شیخ علی اکبر اهری و جناب عمو زین الدینی و در قم از آیت الله حجت کوه کمره ای در فقه و اصول و در نجف از آیت الله آقا سید ابوالحسن اصفهانی در فقه و از آیت الله آقا میرزا حسین نائینی در اصول و از آیت الله آقا شیخ محمد حسین اصفهانی هم در فقه و اصول، استفاده نمود. ایشان فرموده بودند که سید (آقا سید ابوالحسن اصفهانی) شخص بزرگ و انسان

باید به شهود و معرفت ببیند تا توان بازگویی داشته باشد.

تمامی نوشته های ایشان این گونه با معرفت و حقیقت می باشد.

ایشان در مقدمه کتاب رساله لقاء الله در منازل سیر و سلوک فرموده اند: آنچه را که خود درک کرده و به یقین حق دیده ام در این کتاب اظهار نموده ام و یا در مقدمه تفسیر روشن فرموده اند: چطور انسان می تواند بدون ارتباط با عالم غیب و معنی، کلام خداوند را تفسیر نماید. (نقل مفهومی)

تمامی واژه ها و مفاهیم و حقایق کلام خداوند بصورت قطعی و محکم و مستدل بیان شده است که متفاوت از تمامی تفاسیری که تا به حال نوشته شده است می باشد.

کلام و نوشته های او مستقیماً به قلب انسان می نشیند و حالت درونی هر انسان علاقمند به واقعیات را دگرگون می نماید.

او که وجود مبارکش تا دهه هشتاد در این دنیا زندگی فرمود، هیچگاه اقدامی جهت معرفی خود نمود و حتی هیچ تصویر و ع-کسی در زمان حیاتش از ایشان منتشر نشد و همیشه می خواست که بی نام زندگی کند.

روایت در کرامات این مرد الهی بسیار منقول است یعنی هر کسی که به هر میزان با ایشان در ارتباط بوده، ناقل و شاهد کراماتیت و ما مجموعه این مرکز که سعادت نشر آثار ایشان نصیبمان گردیده است امیدوار به دعای او هستیم. علامه مصطفوی در تاریخ نوزدهم جمادی الاول ۱۴۲۶ مطابق با بیست و ششم جون ۲۰۰۵ حدود ساعت ۱۴:۳۰ بعد از ظهر یکشنبه در منزلشان در تهران وفات فرمود و در مهمانی بزرگی که از طرف خداوند دعوت شده بود شرکت نمود.

به وعده خداوند او همیشه زنده است و آثارش هدایتگر و حیات بخش نسل های پیاپی و مختلف در جهان می باشد. مرقد مطهرش در شهر قم ایران، زیارتگاه رهروان و شیفتگان مکتب پیامبر بزرگ اسلام و اهل بیت (ع) می باشد.

زندگی نامه حضرت آیت الله محمد تقی بهجت(ره)



ولادت

حضرت آیت الله محمد تقی بهجت در اواخر سال ۱۳۳۴ هـ- ق، در شهر مذهبی فومن واقع در استان گیلان، چشم به جهان گشود. شانزده ماه از عمرش نگذشته بود که مادرش به سرای باقی شتافت و از اوان کودکی طعم تلخ یتیمی را چشید. درباره نامگذاری حضرت آیت الله بهجت، خاطره ای شیرینی که از نزدیکان ایشان نقل شده است که ذکر آن در این مجال سودمند است: پدر آیت الله بهجت در سن حدود هفده سالگی بر اثر بیماری وبا در بستر بیماری می افتد به گونه ای که امید زنده ماندن او از بین می رود. در آن حال ناگهان صدایی شنید که گفت: «با ایشان کاری نداشته باشید؛ زیرا ایشان پدر محمد تقی است».

تا این که با آن حالت خوابش می برد و مادرش که در بالین او نشسته بود گمان می کند وی از دنیا رفته؛ اما بعد از مدتی پدر آقای بهجت از خواب بیدار می شود و حالش رو به بهبودی می رود و کاملاً شفا می یابد.

چند سال پس از این ماجرا تصمیم به ازدواج می گیرد و سخنی را که در حال بیماری به او گفته شده بود کاملاً از یاد می برد. بعد از ازدواج نام اولین فرزند خود را به نام پدرش مهدی می گذارد، فرزند دومی دختر بوده، وقتی فرزند سوم را خدا به او عطا می کند، اسمش را محمد حسین^(ع) می گذارد، و هنگامی که خداوند چهارمین فرزند را به او عنایت می کند به یاد آن سخن که در دوران بیماری اش شنیده بود می افتد، و وی را محمد تقی^(ع) نام می نهد؛ ولی وی در کودکی در حوض آب می افتد و از دنیا می رود، تا این که سرانجام پنجمین فرزند را دوباره^(ع) محمد تقی^(ع) نام می گذارد، و بدین سان نام آیت الله بهجت مشخص می شود.

کربلایی محمود بهجت، پدر آیت الله بهجت از مردان مورد اعتماد شهر فومن بود و در ضمن اشتغال به کسب و کار، به رتق و فتق امور مردم می پرداخت و اسناد مهم و قبالة ها به گواهی ایشان می رسید. وی اهل ادب و از ذوق سرشاری برخوردار بوده و مشتاقانه در مراثی اهل بیت(ع) به ویژه حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) شعر می سرود، مرثیه های جانگدازی که اکنون پس از نیم قرن هنوز زبانزد ملاحان آن سامان است.

آری آیت الله بهجت در کودکی در تربیت پدري چنین که دلسوخته اهل بیت(ع) به ویژه سید الشهدا(ع) رشد یافته بود، و نیز با شرکت در مجالس حسینی و بهره مندی از انوار آن محافل پرورش یافت.

کتاب "سفینه البحار" محدث کبیر، حاج شیخ عباس قمی(ره) را یاری کرد.

با این همه، همّت او تنها مصروف علوم دینی نبوده؛ بلکه عشق به کمالات والای انسانی همواره جان ناآرام او را در جست و جوی مردان الهی و اولیای برجسته می کشاند.

یکی از شاگردان آیت الله بهجت می گوید: در سال های متمادی که در درس ایشان شرکت می جویم، هرگز نشنیده ام که جز در موارد نادر درباره خود مطلبی فرموده باشد. از جمله سخنانی که از زبان مبارکش درباره خود فرمود، این است که در ضمن سخنی به مناسبت تجلیل از مقام معنوی استاد خود، حضرت آیت الله نایینی(ره) فرمود: «من در ایام نوجوانی در نماز جماعت ایشان شرکت می نمودم، و از حالات ایشان چیزهایی را درک می کردم».

در زمینه تهذیب نفس در زادگاهش(فومن) از کودکی محضر عالم بزرگوار سعیدی^(ع) و در کربلا از برخی علمای دیگر بهره برد تا این که در نجف اشرف در سن حدود هجده سالگی با آیت حق، سید علی آقای قاضی(ره) آشنا شد و گمشده خویش را در وجود ایشان یافت. از آن پس در سلک شاگردان اخلاقی - عرفانی ایشان درآمد.

هجرت

در سال ۱۳۶۴هـ-ق موافق با ۱۳۳۴هـ-ش با قلبی صیقل یافته از معنویت و سینه ای مالا مال از عشق به حضرت حق و با کوله باری از علم و کمال راهی سرزمین خویش شد و در زادگاهش تشکیل خانواده داد و در حالی که آماده بازگشت به نجف اشرف بود، هنگام عبور از قم، در زمانی که هنوز چندین ماه از مهاجرت حضرت آیت الله بروجردی(ره) به قم نگذشته بود، موقتاً مقیم شد و خبر رحلت اساتید بزرگ حوزه علمیه نجف را یکی پس از دیگری می شنود، از این رو در شهر مقدس قم رحل اقامت می افکند. حضرت آیت الله بهجت پس از ورود به قم، خدمت آیات عظام کوه کمره ای حضور یافت و در بین شاگردان درخشید همچنین در درس حضرت آیت الله بروجردی همچون دیگر شاگردان برجسته اش حضرات آیات امام خمینی(ره)، گلپایگانی(ره) و... حاضر شد.

آیت الله مصباح در این باره می گوید: آیت الله بهجت از همان زمانی که مرحوم آیت الله بروجردی(ره) در قم درس شروع کرده بودند از شاگردان برجسته و از مُستشکلین معروف و میرز^(ع) درس ایشان بودند. معمولاً استادانی که درس خارج می گویند، در میان شاگردانشان یکی دو سه نفر هستند که ضمن این که پیش از همه مطالب را ضبط می کنند، احیاناً اشکالاتی به نظرشان می رسد که مطرح و پیگیری می کنند تا مسائل کاملاً حل شود، اینان از دیگران دقیق ترند، و اشکالاتشان علمی تر و نیاز به غور و بررسی بیشتری دارد، و ایشان در آن زمان چنین موقعیتی را در درس مرحوم آیت الله بروجردی داشتند^(ع).

استادان برجسته فقه و اصول

آیت الله بهجت پس از اتمام دوره سطح و درک محضر استادان بزرگی چون

آیات عظام آقا سید ابوالحسن اصفهانی(ره)، آقا ضیای عراقی(ره) و میرزای نایینی(ره)، به حوزه گران قدر و پر محتوای آیت حق^(ع) حاج شیخ محمد حسین غروی اصفهانی(ره) معروف به کمپانی، وارد شد و در محضر آن علامه کبیر به تکمیل نظریات فقهی و اصولی خویش پرداخت. به یاری استعداد درخشان و تأییدات الهی از تفکرات عمیق و ظریف و دقیق مرحوم علامه کمپانی، که دارای فکری جوال و متحرک و همراه با تیزبینی بوده، بهره ها برد.

آیت الله محمد تقی مصباح درباره استفاده آیت الله بهجت از استادان خود می گوید: «در فقه بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد کاظم شیرازی که شاگردان مرحوم میرزا محمد تقی شیرازی و از استادان بسیار برجسته نجف اشرف بود، استفاده کرده و در اصول از مرحوم آقای نایینی و سپس بیشتر از مرحوم آقا شیخ محمد حسین کمپانی اصفهانی فایده برده بودند، هم مدّت استفاده شان از مرحوم اصفهانی بیشتر بود و هم استفاده های جنبی دیگر».

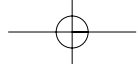
سیر و سلوک و عرفان

حضرت آیت الله بهجت، در کنار تحصیل و پیش از دوران بلوغ، به تهذیب نفس و استکمال معنوی همّت گمارده و در کربلا در تفحص استاد و مربی اخلاقی برآمده که به وجود آقای قاضی که در نجف بوده، پی برده بود. پس از مشرف شدن به نجف اشرف نیز از استاد برجسته خویش آیت الله شیخ محمد حسین اصفهانی کمپانی استفاده های اخلاقی کرده است.

آیت الله مصباح در این باره می گوید: «پیدا بود که از نظر رفتار هم خیلی تحت تأثیر مرحوم آقا شیخ محمد حسین اصفهانی بودند؛ چون گاهی مطالبی را از ایشان با اعجابی خاص نقل می کردند، و بعد نمونه هایش را ما در رفتار خود ایشان می دیدیم. پیدا بود که این استاد در شکل گرفتن شخصیت معنوی ایشان تأثیر بسزایی داشته است».

همچنین در درس های اخلاقی آقا سید عبدالغفار در نجف اشرف شرکت جسته و از آن استفاده می کرد، تا این که در سلک شاگردان حضرت آیت الله سید علی قاضی(ره) درآمده و در صدد کسب معرفت از ایشان بر می آید و در سن هجده سالگی به محضر پرفیض عارف کامل حضرت آیت الله سید علی آقای قاضی بار می یابد و مورد ملاحظت و عنایات ویژه آن استاد معظم قرار می گیرد. در غفوان جوانی چنان مراحل عرفان را سپری می کند که غبطه دیگران را بر می انگیزد.

آیت الله مصباح می گوید: ایشان از مرحوم حاج میرزا علی آقای قاضی در جهت اخلاقی و معنوی بهره برده و سال ها شاگردی ایشان را کرده بودند. آیت الله قاضی از کسانی بودند که مُحمّص^(ع) در تربیت افراد از جهات معنوی و عرفانی بودند، مرحوم علامه طباطبایی و مرحوم آیت الله آقا شیخ محمد تقی آملی و مرحوم آقا شیخ علی محمد بروجردی و عده زیادی از بزرگان و حتی مراجع در جنبه های اخلاقی و عرفانی از وجود آقای قاضی بهره برده بودند. آیت الله بهجت از اشخاص دیگری نیز که گاه نکاتی نقل می کردند مثل مرحوم



آیت الله بهجت معلم بزرگ اخلاق و عرفان و سرچشمه فیوضات معنوی بی پایان بودند

خاندان مکرم و آقازاده ارجمند ایشان تسلیت عرض می‌کنم و برای خود و دیگر داغداران از خداوند متعال درخواست تسلی و برای روح مطهر آن بزرگوار طلب رحمت و مغفرت می‌کنم.

والسلام علیه و رحمه الله
سید علی خامنه‌ای
۲۷ اردیبهشت ۱۳۸۸
۲۳ جمادی الاولی ۱۴۳۰

عرفان و سرچشمه فیوضات معنوی بی پایان نیز بودند. دل نورانی و مصفای آن پارسای پرهیزگار آینه روشن و صیقل یافته الهی و کلام معطر او راهنمای اندیشه و عمل رهجویان وصالحان بود. اینجانب تسلیت صمیمانه خود را به پیشگاه حضرت بقیه الله (ارواحنا فداء) تقدیم می‌دارم و به حضرات علمای اعلام و مراجع عظام و شاگردان و ارادتمندان و مستفیضان از نفس گرم و به ویژه به

حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت (قدس الله نفسه الزکیه) دار فانی را وداع گفته و به جوار رحمت حق پیوستند. برای اینجانب و همه ارادتمندان آن مرد بزرگ این مصیبتی سنگین و ضایعه‌ای جبران ناپذیر است. ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء.

آن بزرگوار که از برجستگان مراجع تقلید معاصر به شمار می‌رفتند معلم بزرگ اخلاق و

در پی رحلت حضرت آیت الله بهجت پیام تسلیتی از طرف رهبر معظم انقلاب اسلامی منتشر شد.

متن پیام به این شرح است:
بسم الله الرحمن الرحیم
انا لله و انا الیه راجعون

با دریغ و افسوس فراوان خبر یافتیم که عالم ربانی، فقیه عالیقدر و عارف روشن ضمیر

رییس مجلس خبرگان ارتحال آیت الله بهجت را تسلیت گفت

معظم انقلاب، مراجع عظام، روحانیت گرانقدر، حوزه‌های علمیه قم و نجف، شاگردان، مریدان، به ویژه بستگان و آقازاده‌های بزرگوار ایشان تسلیت می‌گویم.

از درگاه احدیت برای شادی روح این عالم بزرگوار رحمت واسعه و برای بازماندگان، به ویژه بیت معزز ایشان صبر و اجر مسألت می‌کنم.

ویژه‌ای دست یافته بود، در طول عمر شریف و با برکت خویش منشأ آثار و برکات فراوانی برای جهان اسلام به ویژه تشیع و آموزش شاگردانی صالح و مؤمن در حوزه‌های علمیه بود.

ضایعه فقدان این مرجع وارسته و معلم اخلاق و عرفان را به محضر حضرت ولی عصر(عج) رهبر

حاج شیخ محمدتقی بهجت (ره) ضایعه‌ای بزرگ و اسفناک برای جهان اسلام و تشیع است.

این عالم ربانی و مرجع عالیقدر که با تلمذ از محضر بزرگان حوزه‌های علمیه قم و نجف، علاوه بر مرجعیت و استادی فقه و اصول، در زمینه‌های تهذیب نفس، عرفان و اخلاق به جایگاه رفیع و

حجت الاسلام والمسلمین اکبر هاشمی رفسنجانی، رییس مجلس خبرگان رهبری در اطلاعیه‌ای رحلت حضرت آیت الله بهجت (ره) را تسلیت گفت.

در این اطلاعیه آمده است: 'رحلت جانگداز عالم و مرجع بزرگ جهان اسلام، حضرت آیت الله

با انتشار بیانیه‌ای:

آیت الله سبحانی ارتحال آیت الله بهجت را تسلیت گفت

حضرت ولی عصر و زعیمان و مراجع تقلید و عموم شیعیان تسلیت می‌گویم.

سلام الله علیه یوم ولد و یوم مات و یوم یبعث حیاً.

جعفر سبحانی
۲۷/۲/۸۸

قاضی آموخته است. پس از تکمیل معارف دینی و عرفانی در سال‌های ۱۳۲۴ وارد حوزه علمیه قم شده و تا آخرین لحظه در سنگر علم و عرفان و اخلاق و تربیت فقیهان کوشا بود تا این که امروز ۲۷ اردیبهشت ماه ندای الهی را لبیک گفت.

اینجانب این مصیبت بزرگ را به پیشگاه

نشانند و غبار غم و اندوه را بر دلها افشانند.

آیت الله بهجت پس از گذراندن نوجوانی در سال ۱۳۱۰ از محضر عالمان بزرگ نجف اشرف مانند مرحوم آیت الله اصفهانی و آیت الله خوئی و دیگران بهره‌مند شده و اخلاق و عرفان را از محضر عالم زمانه مرحوم آیت الله حاج سیدعلی

متن بیانیه آیت الله جعفر سبحانی به این شرح می‌باشد:

درگذشت عالم ربانی، فقیه عصمت و طهارت، نمونه بارز انسان والا و با تقوا و پرهیزگار، حضرت آیت الله حاج شیخ محمدتقی بهجت (ره) جهان تشیع را به سوگ

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

ارادت مردم و جوانان به آیت الله بهجت فراموش شدنی نیست

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ارتحال تأثر انگیز آن اسوه فقاقت و مرجعیت را به محضر حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا له الفداء، رهبر معظم انقلاب اسلامی مدظله العالی، مراجع عظام تقلید 'دامت برکاتهم'، حوزه‌های علمیه، بیت معظم له و بخصوص آقازادگان آن مرحوم تسلیت، و علو درجات ایشان را از ذات باری تعالی مسألت می‌نماید.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته
محمد یزدی

خالصانه ایشان است، بی‌شک این ضایعه خلائی است که جبران آن به آسانی میسر نخواهد بود که اذا مات العالم ثلم فی الاسلام ثلمه لا یسدها شیء. همچنین تلاش آن فقید سعید در ترویج مشی اخلاقی در بین شاگردان به یقین ثمرات بی بدیلی را در پی خواهد داشت.

ارادت مردم بویژه جوانان به این وجود والا و حضور بی پیرایه ایشان در بین مردم همواره خاطره فراموش ناشدنی را در اذهان برجای گذاشته است.

تأثر شدید گردید.

این شخصیت بی نظیر عرفان را در پای درس فقه نشانند و فقه را معطر به عطر عرفان نمود.

فقدان شخصیتی که عمر پر برکت خود را صرف علم و اجتهاد در راه مکتب علوی نمود و با بهره‌مندی از فیض ناب علوم اهل بیت علیهم السلام در نجف اشرف و قم مقدسه، منشأ برکات و ثمراتی فراوان گردید، که تربیت شاگردانی فاضل و زبده گوشه‌ای از فعالیت‌های

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم با انتشار اطلاعیه‌ای رحلت حضرت آیت الله بهجت را تسلیت گفت.

متن اطلاعیه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم به این شرح است:
بسم الله الرحمن الرحیم
انا لله و انا الیه راجعون

عروج ملکوتی مرجع عالیقدر شیعه، فقیه اهل بیت عصمت و طهارت، عالم ربانی حضرت آیت الله العظمی محمد تقی بهجت مایه تأسف و

عضو هیئت رئیسه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم:

آیت الله بهجت مجموعه‌ای کامل از مقامات علمی و کرامات معنوی بود

حضرت آیت الله بهجت عمر خود را در پاکی و سلامت نفس، توحید واقعی و توجه به حضرت حق گذراند، اظهار داشت: آداب رفتاری، مقامات علمی و کرامات معنوی ایشان زیانزد عام و خاص بود.

حجت الاسلام والمسلمین جمشیدی ضایعه درگذشت حضرت آیت الله بهجت را ثلمه‌ای جبران ناپذیر برای حوزه‌های علمیه دانست و گفت: عمق علمی و معنوی این عالم نستوه، از ایشان مجموعه‌ای کامل و ریشه دار ساخته بود که در جهان اسلام بی‌بدیل بود.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در پایان تصریح کرد: آیت الله بهجت در طول عمر با برکت خود همواره در ترویج مکتب اهل بیت(ع) و همراهی با انقلاب پیشقدم بودند.

عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم گفت: حضرت آیت الله بهجت عمر خود را در پاکی و سلامت نفس، توحید واقعی و توجه به حضرت حق گذراند.

حجت الاسلام والمسلمین محمودرضا جمشیدی، عضو هیئت رئیسه جامعه مدرسین حوزه علمیه قم در گفت و گو با رسا ضمن تسلیت رحلت حضرت آیت الله بهجت در سخنانی گفت: این عالم ربانی از ستارگان درخشان حوزه‌های علمیه و از اساتید و مراجع تقلید برجسته جهان تشیع بودند.

وی در ادامه افزود: حضرت آیت الله بهجت از شاگردان مبرز علمای بزرگ نجف، کربلا و قم بودند و از سنین نوجوانی تحت تربیت عرفانی آیت الله قاضی قرار گرفتند.

قائم مقام مدیر حوزه علمیه قم با بیان اینکه

آیت الله صافی گلپایگانی:

آیت الله بهجت بخش مهمی از عمر خود را در جوار حرم مطهر حضرت امیر سپری کرد

آن مرحوم، بخش مهمی از عمر با برکت خود را در نجف اشرف و جوار حرم مطهر حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام سپری نمود و از محاضر مراجع مشهور و اساتید نامدار، کسب علم، معنویت و فضایل نمود و بخش پایانی عمر شریف را در قم به استفاده از حوزه درسی آیت الله العظمی بروجردی قدس سره و تدریس و اشتغال به تالیف و تربیت طلاب گذراندید و با سوابقی درخشان از این عالم فانی به دار جاودانی و لقاء حق پیوست.

از خداوند متعال، علو درجات برای ایشان و اجر جزیل و صبر جمیل، برای بازماندگان، مسئلت می‌نمایم.

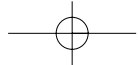
۲۲ جمادی الاولی ۱۴۳۰
۸۸/۲/۲۷
لطف الله صافی

آیت الله صافی گلپایگانی در پیامی درگذشت حضرت آیت الله بهجت را تسلیت گفت.

آیت الله صافی گلپایگانی در پیامی ضمن تسلیت درگذشت حضرت آیت الله بهجت، از وی به عنوان عالمی با سوابق درخشان یاد کرد.

متن این پیام بدین شرح است: با کمال تأسف و تأثر ارتحال فقیه عالیقدر مرجع بزرگوار حضرت آیت الله آقای حاج شیخ محمد تقی بهجت قدس سره را به پیشگاه اقدس حضرت بقیة الله مولانا المهدی ارواح العالمین له الفداء، حوزه‌های علمیه، علمای اعلام، عموم شیعیان، بیت شریف و آقازادگان معظم، تسلیت عرض می‌نمایم.

فقدان آن شخصیت علمی و فقیه والا مقام، ثلمه‌ای جبران ناپذیر است.



آیت الله سبحانی:

باید ملاک اصلی تقریب مذاهب اسلامی باشد

آیت الله سبحانی گفت که اگر بین نظر عالمان شیعی و سنی اختلافی ایجاد شد، ملاک اصلی تصمیم گیری باید تقریب باشد

این مرجع تقلید در دیدار اعضای شورای تقریب مذاهب کشور، با تاکید بر مشترکات بین شیعه و سنی گفت: تقریب به معنای ذوب سنی در شیعه و یا شیعه در سنی نیست.

آیت الله سبحانی گفت که علمای اسلام باید مشترکاتی که بین شیعه و سنی است را استخراج کرده و اختلافاتی که وجود دارد را نیز با مذاکرات علمی برطرف کنند. ایشان که مدیریت موسسه آموزشی و پژوهشی امام صادق(ع) را نیز بر عهده دارد، از آیت الله العظمی بروجردی، شیخ شلتوت و دیگر بزرگانی یادکرد که در گذشته گام های خوبی در این

زمینه برداشته اند و این امر را نشان دهنده توجه آنها به مسئله تقریب مذاهب دانست و گفت: ما باید مسئله تقریب مذاهب را به نحوی برای مردم بازگو کنیم که آنها متوجه این موضوع شوند و اگر بین نظرهای عالمان شیعی و سنی اختلافی ایجاد شد، ملاک تصمیم گیری گرچه محترم است ولی ملاک اصلی باید تقریب باشد.

این مرجع تقلید با بیان اینکه باید تقریب مذاهب گسترش یابد، گفت: در قرن های گذشته بین علما همکاری وجود داشته است، ولی بروز اختلافات باعث شده تا آنها از مشترکاتی که وجود داشت، دور شوند.

وی با بیان اینکه مرکز تقریب مذاهب باید فعالیت های خود را گسترش دهد، افزود: ما باید سطح

مرکز تقریب مذاهب را ارتقاء بخشیم و از کلماتی استفاده کنیم که حاکم بر قلوب باشد.

استاد حوزه علمیه قم در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به فتوای یوسف قرضاوی بر ضد تقریب وحدت اسلامی، بیان کرد: فتوایی که قرضاوی داده فکر خودش نبوده است و آن را باید فکر دیگران دانست که از او به عنوان یک ابزار استفاده می کنند.

آیت الله سبحانی با اشاره به ضرورت نزدیکی علمای دوست شیعه و سنی به یکدیگر تصریح کرد: اعضای مجمع جهانی تقریب باید زمینه نزدیکی علمای شیعه و سنی را به یکدیگر فراهم کنند، چون هر چه این علما از یکدیگر فاصله بگیرند دشمنان از آنها به عنوان یک ابزار استفاده می کنند.

در دیدار با معاون رهبر کلیسای شرق آشوری

آیت الله تسخیری: در برابر الحاد و بی دینی ایستادگی می کنیم

میتروپولیتن ماگیور گیز صلیوا معاون رهبر کلیسای شرق آشوری با آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی دیدار و گفت و گو کرد.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آیت الله تسخیری دبیرکل مجمع با بیان تلاش دشمنان خدا برای از بین بردن اتحاد پیروان ادیان توحیدی و اشاعه مفاسد اخلاقی و از هم گسیختن خانواده گفت: همه ما باید مسوولیت مشترکی جهت ایستادگی در برابر الحاد و بی دینی و توطئه های استکباری علیه ارزش های انسانی داریم.

دبیرکل مجمع با اشاره به پیشنهاد

گفت و گوی ادیان در سال ۲۰۰۱ از سوی جمهوری اسلامی ایران افزود: گفت و گوی بین پیروان ادیان برای برقراری صلح جهانی بسیار مهم است.

وی با بیان اینکه در ایران همکاری فراوانی بین پیروان ادیان الهی در تمامی اقوام برای ساخت آینده ای روشن و عاری از تمامی مخاصمات در جریان است، تصریح کرد: برای آشوریان در عراق آرزوی زندگی مسالمت آمیز همراه با آرامش در کنار مسلمانان این منطقه را آرزومندم.

در ادامه معاون رهبر کلیسای شرق آشوری با اشاره به اینکه گفت و گوی بین ادیان سمای واجب است،

افزود: ایمان موجب قوی شدن ما در برابر مشکلات می شود.

همچنین در این دیدار یونان بت کلیا نماینده آشوری ها در مجلس شورای اسلامی گفت: ایران جایگاه ویژه و تاریخی برای همه اقوام و به ویژه آشوریان قائل است و ما در ایران به صورت مسالمت آمیز زندگی می کنیم.

میتروپولیتن مارگیور گیز صلیوا از سال ۱۹۸۱ به عنوان اسقف کلیسای شرق آشوری برگزیده شد و مراسم دستگذاری وی توسط پاتریارک مارندخای چهارم انجام شد، در همین سال مدیریت کلیساهای خاورمیانه و روسیه را نیز به عهده گرفت و کرسی وی در کشور عراق است.

خطیب جمعه زاهدان:

وحدت شیعه و سنی در ایران الگوی جوامع اسلامی است

زاهدان - امام جمعه موقت زاهدان وحدت میان مسلمانان شیعه و سنی در ایران را الگوی جوامع اسلامی عنوان کرد.

به گزارش خبرنگار ایرنا، حجت الاسلام احمد راهداریدر خطبه های این هفته نماز جمعه زاهدان با اشاره به سفر رهبر معظم انقلاب به کردستان و استقبال بی نظیر مردم تاکید کرد: ملت شریف ایران در سایه اتحاد، تعاون و برادری به اوج عزت می رسد.

وی با بیان اینکه پایه و اساس اسلام بر مبنای اتحاد و برادری شکل گرفته است، افزود: مسلمانان باید وحدت میان خود را به سبب

پیشرفت انقلاب اسلامی و خنثی کردن توطئه های دشمنان حفظ کنند.

راهداری اضافه کرد: ایرانیان ۳۰ سال قبل با رهبریت امام خمینی (ره) نخستین سیلی را در سایه اتحاد بر دهان غرب زدند.

امام جمعه موقت زاهدان همچنین با اشاره به سالروز تاسیس دولت نامشروع اسرائیل گفت: رژیم صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ با تصرف فلسطین دولت بی ریشه خود را تاسیس کرد.

وی ادامه داد: یهودیان با هدایت انگلیس قدم در سرزمین فلسطین گذاشتند و خود را نژاد برتر معرفی

کردند.

راهداری گفت: یهودیان ثروتمند و مسلح سراسر جهان که خواهان یک کشور واحد بودند، در این مکان نامشروع تجمع کردند و با همکاری کشورهای غربی و آمریکا تمام ثروت خود را در راه کشتن مردم بی گناه فلسطین هزینه می کنند.

او تاکید کرد: مسلمانان بیدار و آگاه باید این خطر بزرگ و غده سرطانی را قبل از گسترش از سر کشورهای اسلامی کوتاه کنند.

راهداری افزود: مسلمانان باید به جایگاهی برسند که حقوق مردم مظلوم فلسطین را از این رژیم نامشروع پس بگیرند.

حضور مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با

دو غرفه در نمایشگاه کتاب

فاروق امینی کارشناس فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در گفتگویی با اشاره به اینکه امسال نیز مانند سال گذشته در نمایشگاه بین المللی کتاب مشارکت کردیم، اظهار داشت: امسال ۲ غرفه داشتیم، یک غرفه در بخش عمومی و ۱ غرفه در بخش عربی.

وی با بیان اینکه بیش از ۲۰۰ عنوان کتاب برای نمایشگاه کتاب امسال عرضه شد، تصریح کرد: ۳۰ عنوان کتاب چاپ اول بوده و امسال برای نخستین بار عرضه می شوند.

کارشناس فرهنگی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی افزود: از این تعداد کتاب، ۱۳۷ عنوان به زبان عربی و بیش از ۶۰ عنوان کتاب به زبان فارسی هستند. کتابهای دیگری به زبان انگلیسی نیز عرضه کردیم.

امینی گفت: این کتابها در زمینه احادیث مشترک سنی و شیعه در روایات، موضوعات مختلف نماز، روزه و حج، امر به معروف و نهی از منکر، نماز جمعه، حضرت موسی و عیسی (ع) در روایات و احادیث مشترک شیعه و سنی هستند.

این کارشناس فرهنگی یادآور شد: طلایه داران تقریب و پیشگامان تقریب، قواعد و احکام فقهی، مجموعه مقالات کنفرانسها، سلسله فضایل اهل بیت، رد شبهات، موضوعاتی در زمینه وحدت اسلامی و تقریب بین مذاهب از کتابهایی هستند که در این نمایشگاه ارائه شدند.

دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

ایجاد ارتباط روحانیت و نسل جوان، راه

اساسی تقویت وحدت ملی

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، ایجاد ارتباط مناسب بین روحانیت و نسل جوان را راه اساسی برای تقویت وحدت ملی دانست.

به گزارش روابط عمومی سازمان ملی جوانان، آیت الله تسخیری گفت: تقویت وحدت ملی با شعار میسر نمی شود و تا زمانی که میان علما، روحانیت و نسل جوان فاصله و میان مذاهب داخلی کشور تنش وجود داشته باشد، نمی توانیم ادعای حرکت به سوی وحدت ملی را داشته باشیم. یکی از علل کاهش مناسبات روحانیت و نسل جوان، شایعات دشمنان خارجی است. دشمنان سعی دارند بحث های دینی حوزه را غیر عقلانی و غیر آکادمیک و روحانیت را قشری تابع منافع خویش معرفی کنند. از این رو روحانیت باید از روش های تبلیغی نو بهره گیرند و افق دیدشان را برای پاسخگویی به جوانان گسترش دهند.

وی با اشاره به ناکافی بودن آشنایی صرف جوان مسلمان با قرآن و احادیث، بر عمل به آیات قرآن از سوی این قشر تاکید کرد و افزود: شیوه تبلیغات روحانیت و مطالعات حوزوی آنها نیاز به مطالعه مجدد و توسعه دارد. در راستای گسترش مناسبات روحانیت و نسل جوان، بخشی از وظیفه بر عهده روحانیت و بخش دیگر آن به عهده رهبران جوان و خود جوانان جامعه است. همایش مناسبات روحانیت و نسل جوان می تواند راهکارهای موثر و کاربردی در ارتباط با چالش های این دو قشر ارائه دهد.

دبیرکل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، آگاهی، ایمان به هدف اخلاص در همه فعالیت های دینی، رعایت عدالت و مساوات بین مردم، امیدواری به وعده های الهی، انتقاد پذیری و روحیه مباحثات با مردم، توکل به خدا، نرمخویی، مهربانی، دلسوزی، داشتن سابقه ای خوب، ساده زیستی و بی تکلفی، تواضع، گذشت و آراستگی ظاهر را از ویژگی های روحانی و مبلغ دینی از دیدگاه اسلام بر شمرد و تصریح کرد: امروزه یکی از مهمترین وسایل مورد استفاده جهانخواران بی دین، ابزار تبلیغ است که با استفاده از وسایل مدرن تبلیغاتی ناممکن ها را ممکن می سازند و حکومت ها را ساقط می کنند و گاهی نیز ممکن است افکار مسموم و فرهنگ غلط خویش را در روح و جان انسان های ساده و نا آگاه تزریق کنند. از این رو لازم است مبلغان به این امر مهم توجه بیشتری داشته باشند و با آگاهی دادن به جوانان این تبلیغات را بی اثر سازند.

گفتنی است همایش ملی مناسبات روحانیت و نسل جوان با حمایت سازمان ملی جوانان و همکاری دفتر تبلیغات اسلامی، موسسه مطالعات اجتماعی دانشگاه تهران، پژوهش های اسلامی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و جامعه المصطفی العالمیه برگزار می شود علاقمندان جهت کسب اطلاعات بیشتر می -وانند به آدرس اینترنتی www.javan-roohaneyat.ir مراجعه کنند.

آیت الله صانعی در همایش بزرگداشت "میرزا علی اکبر آقا مرندي:

بهترین راه برای رسیدن به عرفان واقعی شناخت امثال آیت الله میرزا علی اکبر آقا مرندي است

نیاز و عمل کامل به وظایف شرعی و الهی آیت الله مرندي یادآور شد: یکی از ویژگی مشترک تمام عرفا و مردان و اوتاد الهی راز و نیاز و مناجات شبانه و خلوت سحری بود و هیچ دعا و عبادت و عمل دیگری با آن برابری نداشت.

وی آیت الله مرندي را یکی از بزرگان عرفان و اخلاق و باقی مانده شاگردان ممتاز آیت الله العظمی سید علی آقا قاضی (اعلی الله مقامه) معرفی کرده و عمل به واجبات را توسط ایشان و برخی سجایای اخلاقی معظم له را همانند ویژگی ها و اخلاقیات فردی حضرت امام خمینی (ره) توصیف کرد.

نمایشگاه آثار خطی و دست نوشته ای آیت الله مرندي و مبادله نامه های بین علامه طباطبایی و سایر علما و عرفای زمان معاصر خود عکسهای شخصی و اجازه نامه های آیت الله ضیا الدین عراقی و ابوالحسن اصفهانی و کلمات و سخنان معظم له و اهدالوح یادبود به خانواده محترم آن بزرگوار از دیگر بخش های جنبی این همایش بود.

آیت الله صانعی تاکید کرد: امروز باید عرفان واقعی و عرفای اصیل را شناخت و بهترین راه برای رسیدن به عرفان واقعی شناخت امثال آیت الله میرزا علی اکبر آقا مرندي است تا بتوان راه حقیقت را از بیراهه تشخیص داد.

وی با اشاره به مقام والای اجتهاد آیت الله مرندي افزود: یکی از ابعاد شخصیتی مغفول ایشان رتبه علمی وی بود و این ناشناختگی از سوی اخلاص و تواضع و شهرت گریزی فوق العاده وی از سوی دیگر دوری از محافل و مراکز علمی از جمله نجف اشرف و قم بوده است.

به گفته آیت الله صانعی میرزا علی اکبر آقا مرندي با تحصیل مجدانه و جهاد در راه کسب معارف الهی در حوزه نجف اشرف مورد توجه بزرگان آن عصر قرار گرفته و در محضر آنها به بالاترین مراحل علمی در حوزه فقهات و اجتهاد و استنباط احکام الهی رسیده بود.

در بخش دیگری از این مراسم حجت الاسلام صدیقی نیز با اشاره به اصالت خانوادگی و عبادات و راز و

است: وی خداجویی و تهذیب نفس را در محضر عالم اخلاقی بزرگ مرحوم آیت الله العظمی سید علی آقا قاضی (طاب ثراه) پیدا کرد و دست به دامان این عارف بزرگ و کامل شد او هم دست این شاگرد مستعد را گرفت و به مقامات عالی رساند.

در ادامه این پیام مهم تاکید شده است: ایشان و مرحوم آیت الله علامه طباطبایی از شاگردان این مکتب اخلاقی بودند که توانستند جمع عظیمی از جامعه را تربیت کنند.

در ادامه همچنین آیت الله شیخ حسن صانعی از یاران و همراهان رهبر فقید انقلاب در سخنانی با اشاره به فضایل اخلاقی دینی و معنوی مرحوم آیت الله مرندي گفت: امروز بسیاری از جوانان علاقمند به عرفان و کسب کمالات معنوی هستند اما متأسفانه به خاطر عدم دسترسی به عرفان ناب اسلامی و عارفان واقعی به عرفان های کاذب که آمیخته با تصوف و همراه با بدعتها هستند روی می آورند و نه تنها به مقصد نمی رسند بلکه از آن دور می شوند.

بزرگداشت آیت الله مرندي تصریح کرد: تجلیل از بزرگان دین و اخلاق و عرفان را که در راه تقوا و معنویت تلاش وصف ناپذیری از خود به جا گذاشتند موجبات الگوپذیری نسل جوان امروزی را فراهم می آورد.

نعمت زاده اظهار داشت: در این برهه از زمان که دشمنان اسلام و شیعیان از هیچ تلاشی برای ضربه زدن به فرایض دینی و ریشه اعتقادات مکتب اسلام فروگذاری نمی کنند باید با تجلیل از بزرگان راه آنها را ادامه دهیم.

در ادامه این همایش بزرگ فرهنگی و دینی پیام حضرت آیت الله جعفر سبحانی توسط فرزند مرحوم آیت الله مرندي قرائت شد.

در بخشی از پیام آمده است: مرحوم آیت الله مرندي چراغ ایمان و تقوا و مشعل فروزان اطاعت حق را سالیان درازی در درون خود روشن نگه داشت و توانست مراتب بالایی از کمال را که برای انسان امکان دارد طی کند.

در بخش دیگری از این پیام آمده

همایش بزرگداشت پانزدهمین سال ارتحال عالم اخلاق و سالک واصل آیت الله "میرزا علی اکبر آقا مرندي" در سالن مجتمع فرهنگی و هنری مرندي برگزار شد.

به گزارش مهر در مرندي در این همایش که به منظور تجلیل و بزرگداشت مقام عرفانی اخلاقی و شخصیتی عالم عامل و عارف واصل آیت الله میرزا علی اکبر آقا مرندي برگزار شد جمع کثیری از علمای اعلام اساتید حوزه و دانشگاه مقامات فرهنگی و دینی فرهیختگان و ارادتمندان و علاقمندان وی از سراسر نقاط شهرستان شهرهای استان و کشور در آن حضور داشتند.

حجت الاسلام علی نعمت زاده نماینده ولی فقیه و امام جمعه مرندي در این همایش طی سخنانی ضمن تبیین شخصیت اخلاقی و فقهی و نیز مقام عرفانی و عملی آن عالم وارسته افزود: وی به عنوان یکی از یاران حضرت امام خمینی (ره) نقش ارزنده در به ثمر رسیدن نهال پر ثمر انقلاب اسلامی ایفا کرد.

وی با اشاره به برگزاری مراسم

ریس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی

وهابیت یک مذهب جعلی است



و گفت: ما باید تقریب سیاسی را تقویت کنیم تا دولت ها ارتباط نزدیکی با هم داشته باشند.

وی با بیان اینکه باید سعی کنیم کشورهای اسلامی را در مدار تقریب حفظ کنیم، ابراز داشت: جمهوری اسلامی ایران در جهت حفظ وحدت سیاسی تلاش های خوب و هوشمندانه ای داشته است، اما کسانی خارج از امت اسلامی چون منافعشان را در تفرقه سیاسی می بینند، با شیطنت به آن دامن می زنند.

ریس مرکز تحقیقات مجمع جهانی اسلامی گفت: جمهوری اسلامی ایران، هدایت امت اسلامی را علیه استکبار بر دوش گرفته است و وحدت جهان اسلام را به عنوان یک ضرورت معرفی می کند.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی با اشاره به اینکه با دیپلماسی فعال می توان جلوی اهانت و هابی ها را گرفت، بیان داشت: دیپلماسی جمهوری اسلامی در بعد تقریب باید عمق بیشتری پیدا کند و اگر این دیپلماسی تقریبی فعال شود، بسیاری از مشکلاتی که وهابیت در پی ایجاد آن است به حداقل خواهد رسید.

ریس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی خاطرنشان کرد: وهابیت مخالف ایجاد فضای وحدت اسلامی و حاکم شدن گفتمان و اندیشه تقریب بر جامعه اسلامی است و در مقابل این وحدت ایستادگی می کند.

اینکه، وهابیت، اسلام ستیز است، گفت: با تقریب عملی و ارتباط و همگرایی، تاکید بر مشترکات و احترام نسبت به همدیگر، جلوی اسلام ستیزی وهابیت را گرفته می شود.

وی به وظیفه مجمع جهانی، تقریب مذاهب اسلامی در برابر رفتارهای افراطی و هابی ها اشاره کرد و افزود: باید مجمع تقریب جهانی مسئله تقریب را جدی بگیرد و مباحث را به صورت جدی از جلسات و شعار به مرحله عمل نزدیک تر کند و هر چه ارتباط با اهل سنت بیشتر شود آنها به فریب کاری های وهابیت آگاه تر می شوند و با این تکفیرها و اتهامات علیه شیعه، بی پایه و اساس بودن این تفکر آشکارتر می شود.

ریس پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، آگاه سازی علمای جهان اسلام، کثرت ارتباط با دنیای اسلام را از راه های مقابله با افراط گرایی های وهابیت بیان کرد:

وهابیت یک مذهب جعلی است و تفکر آنها با خوارج از یک سنخ است. معاون پژوهشی دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در گفت و گو با مرکز خبر حوزه با اشاره به تکفیر امام جماعت مسجدالحرام به شیعیان، گفت: این اقدام ناشی از خشک مغزی و تهی بودن وهابیت از هرگونه عقلانیت است. حجت الاسلام والمسلمین مبلغی افزود: وهابیت از درون با خود مبارزه می کند و کسانی که امروز آنان را وهابی معتدل می نامیم، شوریدگان از درون بر این فرقه غیرعقلانی هستند که در اثر تجربه و تعامل به غیرعقلانی بودن این تفکر پی برده اند.

ریس مرکز تحقیقات مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با بیان اینکه، وحدت اسلامی عرصه را بر وهابیت تنگ می کند، بیان داشت: تفرقه میان مذاهب، وهابیت را سردمدار و معرکه گیر می کند و اگر ما با وحدت فضا را بر وهابیت تنگ کنیم نیازی به اضمحلال آن نیست، بلکه خودبه خود مضمحل خواهد شد.

وی به تلاش های وهابیت علیه شیعه اشاره کرد و یادآور شد: تبلیغ و تلاشی که وهابیت علیه مکتب تشیع انجام می دهد به این علت است که شیعه با منطق، فضا را بر آن ها بیش از مذاهب دیگر تنگ کرده است و آنها را رنج می دهد.

حجت الاسلام والمسلمین مبلغی با بیان

نسخ خطی کتابخانه آیت الله گلپایگانی در معرض خطر است

مدیر کتابخانه آیت الله گلپایگانی گفت: نسخ خطی کتابخانه این مرجع تقلید در معرض خطر و نابودی قرار دارد و مسئولان باید مواظب این نسخ خطی باشند.

ابوالفضل عرب زاده با اشاره به خطراتی که نسخ خطی موجود در کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی را تهدید می کند، گفت: بارها خطراتی را که نسخ خطی این کتابخانه را تهدید می کند به اطلاع مسئولان فرهنگی کشور و شخصیت های مملکت رسانده ایم.

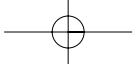
عرب زاده افزود: ۱۱ هزار نسخه دستنوشته علمی، فقهی و هنری از قرن سوم تا عصر حاضر در این کتابخانه وجود دارد که ساختمان کتابخانه فاقد وسایل اطفای حریق و سیم کشی استاندارد است که در این باره نیازمند توجه مسئولان هستیم.

مدیر کتابخانه آیت الله العظمی گلپایگانی با اشاره به خدمات ارائه شده از سوی این کتابخانه به طلاب و فضلا گفت: هزینه جاری کتابخانه در سقفی معین از سوی دفتر آیت الله العظمی صافی گلپایگانی تامین می شود و مراکز فرهنگی و افراد خیر نیز در این امر سهیم هستند.

وی افزود: این کتابخانه روزانه ۱۱ ساعت در خدمت بیش از ۹۰۰ مراجعه کننده است که ۸۰ درصد از آنها را طلاب و پژوهشگران و ۲۰ درصد از آنها را اساتید حوزه و دانشگاه تشکیل می دهند.

عرب زاده در ادامه افزود: کتابخانه از بخش های عمومی، امنی، مخطوطات، دروس حوزوی، جراید و مرجع به صورت قفسه باز و بسته اداره می شود.

وی یادآور شد: کتابخانه براساس طرحی نو در نظام کتابداری، رده بندی، طراحی و برنامه نویسی شده و به بازیابی اطلاعات پرداخته و دارای فهرس موجز و کامل است.



فهرست نگاری نسخه‌های خطی

(مانند جنس و رنگ) و آرایه‌های هنری (مانند تذهیب و نقاشی) پرداخته می‌شد. این بخش برای محققان هنر و نیز برای کسانی که دربارهٔ تاریخ فن کاغذسازی و جلدسازی در فرهنگ ایران و اسلام تحقیق می‌کنند، بسیار مهم است.

- در افزوده‌ها، فهرست‌نگار کاملاً خود را از نسخهٔ خطی مورد نظر به عنوان یک اثر علمی جدا می‌سازد. در اینجا فهرست‌نگار نگاه خود را به افزوده‌هایی متمرکز می‌کند که در طول عمر نسخهٔ خطی، توسط کاتب نسخه، مالکان نسخه و یا خوانندگان مختلف بر حواشی و یا قسمتهای مختلف آن اضافه شده‌است. در بسیاری از موارد، اگر نگوئیم ارزش این افزوده‌ها بیشتر از متن اصلی نسخهٔ خطی است، ولی می‌توان گفت که کمتر از آن هم نیست. این افزوده‌ها به دو شکل در نسخه‌های خطی جلوه پیدا کرده‌است.

با تحقیق بر روی نسخه‌های خطی این مرکز و چاپ کاتالوگ آن، اطلاعات بسیار ارزشمندی دربارهٔ برخی از نسخه‌های خطی کمیاب و در برخی موارد منحصر به فرد بدست آمد که شاید اشاره به برخی از آنها بی فایده نباشد:

- شاهنامه فردوسی که به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران، یکی از قدیمی‌ترین نسخهٔ موجود در جهان است. این نسخه که در کناره‌اش پنج گنج نظامی قرار دارد، به شکل فاکسیمبله توسط مرکز دائرةالمعارف در تهران منتشر شد.

- نسخه‌ای کهن از کتاب *الرساله الجامعه* متعلق به اخوان الصفا (این رساله توسط آقای دکتر صادق سجادی، دبیر شورای عالی علمی مرکز دائرةالمعارف، در حال تصحیح است).

- *مفتاح التمدن* رساله‌ای است دربارهٔ تلقی ایرانیان در سدهٔ نوزدهم از فرهنگ و تمدن اروپا. این رساله منحصر به فرد است و سال گذشته پس از ویرایش لازم، در تهران منتشر شد.

سخن پایانی
در کتابخانهٔ فردوسی کالج وادهام، دانشگاه آکسفورد حدود ۸۰۰ نسخهٔ خطی فارسی و عربی وجود دارد که بیش از سه دههٔ پیش از شهر اصفهان به این کالج منتقل شده‌است. در طول این مدت هیچ‌گونه تلاشی برای فهرست کردن نسخه‌ها مذکور صورت نگرفته‌است. در سال ۲۰۰۳ در طول اقامت چند ماههٔ اینجانب در این کالج، پیشنهاد فهرست‌برداری از این نسخه‌ها به مسئولین این کالج داده شد. سرانجام سال گذشته کالج وادهام با این پیشنهاد موافقت کردند و اینجانب را به واسطهٔ آشنایی با منابع فرهنگ ایرانی و نیز آشنایی با نسخه‌های خطی و چگونگی فهرست‌برداری آنها برای اجرای این امر انتخاب کردند. فهرست‌برداری این نسخه‌ها از ماه ژوئن آغاز شده‌است و پیش‌بینی می‌شود که به مدت یک سال ادامه پیدا کند. این فهرست‌برداری بر اساس شیوهٔ استاد منزوی صورت می‌گیرد و کاتالوگ آن هم همانند کاتالوگ نسخه‌های خطی دائرةالمعارف بزرگ اسلامی به چاپ خواهد رسید. این کاتالوگ به دو زبان فارسی و انگلیسی خواهد بود که انتشار آن در ایران و انگلیس صورت خواهد گرفت.

فهرست برداری نسخه‌های خطی یاد شده، در قالب پروتکل مشترکی که کالج وادهام با مرکز پژوهشی میراث مکتوب، دربارهٔ اصول آن به تفاهم رسیده‌اند، صورت می‌گیرد. بر اساس این تفاهم نامه، فهرست مذکور پس از اتمام کار، توسط میراث مکتوب در تهران به چاپ خواهد رسید."

جسته‌اند و استادانی مانند محمدتقی دانش‌پژوه، ایرج افشار و عبدالله انوار در فهرست‌نگاری‌های خود بیشتر بر این شیوه عمل کرده‌اند. در این روش، علاوه بر نام کتاب و مؤلف آن، سایر ویژگی‌های نسخه، مانند موضوع و زبان اثر، تاریخ نگارش و فصول و ابواب آن و سپس مشخصات فنی نسخه مانند: کاتب و تاریخ کتابت، نوع خط، کاغذ و جلد و نیز آرایه‌های آنها مورد بحث قرار می‌گیرد. مانند:

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ مرکزی دانشگاه تهران توسط محمدتقی دانش‌پژوه و ایرج افشار

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ ملی ایران توسط عبدالله انوار

اما شیوهٔ سومی هم وجود دارد که به *روش توصیفی* - *تطبیقی* معروف شده‌است و استاد منزوی مبدع آن است و در فهرست‌نگاری خود به‌ویژه در فهرست نسخه‌های خطی مرکز دائرةالمعارف، آن را بکار برده‌است. این روش، بر دو اصل زیر استوار است:

۱- اشکال تکامل یافته روش *توصیفی* "
۲- ابداعات و نوآوری‌های جدید که مبتنی بر دو اصل زیر است:

- تحقیق دربارهٔ مؤلف نسخهٔ مورد مطالعه
- مقایسهٔ نسخهٔ خطی مورد مطالعه با نسخه‌های خطی مشابه در سایر کتابخانه‌های جهان است

با ذکر این مقدمات، تصور می‌شود که زمینهٔ لازم مهیا شده‌است تا بحثی داشته باشیم دربارهٔ شیوهٔ فهرست‌نگاری در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی که بر اساس *شیوهٔ توصیفی* - *تطبیقی* فراهم آمده‌است.

براساس فهرست‌های چاپی نسخه‌های خطی و عکسی دائرةالمعارف، و بر پایهٔ مشاهدات اینجانب که از ابتدا، از نزدیک شاهد اجرای این فهرست‌نگاری بوده‌است، می‌توان جزئیات روش فهرست‌نگاری در مرکز دائرةالمعارف را بدین‌گونه توصیف کرد: در این روش، فهرست‌نگار در ابتدا تمام توجه خود را روی مؤلف نسخه متمرکز می‌کند و بر آن می‌شود تا گزارشی کوتاه ولی مفید دربارهٔ دورهٔ زندگی، آثار و سال مرگ مؤلف و این که اثر خود را به چه کسی هدیه کرده‌است، ارائه کند. سپس به خود نسخهٔ خطی می‌پردازد. در این روش، یک نسخهٔ خطی از چهار منظر *کتاب‌شناسی*، *نسخه‌شناسی*، *افزوده‌ها*، و *مقایسه* مورد بررسی قرار می‌گیرد.

- در *کتاب‌شناسی*، فهرست‌نگار به نسخهٔ خطی به عنوان یک اثر علمی نگاه می‌کند. از این رو ابتدا به دنبال کشف نام کتاب، زمان و محل نگارش نسخه، و موضوع، فصل‌بندی و زبان آن اثر بر می‌آید. و سپس به ثبت چند سطر از اول و آخر نسخه می‌پردازد.

- در *نسخه‌شناسی*، فهرست‌نگار، چهار موضوع کتابت، خط، کاغذ، و جلد را مورد توجه قرار می‌دهد. در بحث کتابت، تاریخ کتابت، محل کتابت و سفارش‌دهندهٔ احتمالی کتابت نسخه، مورد نظر است. در موضوع خط، خصوصیات فیزیکی (یعنی اندازه و تعداد سطرها) و ویژگی هنری (یعنی نوع خط مانند ثلث، نسخ و نستعلیق و همچنین رنگ جوهر) مورد توجه قرار می‌گیرد. در بحث کاغذ و جلد، نخست به خصوصیات فیزیکی آن (مانند طول و عرض) و سپس به ویژگی‌های فنی

آثار بسیاری از خود به یادگار گذاشته‌اند که مشهورترین آنها، سه اثر ارزشمند زیر است:

۱- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ۶ مجلد (معرفی تمام نسخه‌های خطی و عکسی فارسی در کتابخانهٔ ایران)

۲- فهرست مشترک نسخه‌های خطی فارسی پاکستان، در ۱۴ مجلد (معرفی تمام نسخه‌های خطی فارسی در کتابخانه‌های پاکستان)

۳- فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی که فهرستی است از تمام آثار فارسی نگاشته شده تا پایان چاپ سنگ در گسترهٔ فارسی‌زبانان که تا کنون ۱۰ مجلد آن منتشر شده‌است.

استاد منزوی پس از تشکیل بخش نسخه‌های خطی، در نخستین گام با همکاری مسئولین کتابخانه، تمام فهرست نسخه‌های خطی مربوط به فرهنگ ایران و اسلام را جمع‌آوری کردند، به گونه‌ای که اکنون به واسطهٔ این مجموعه، تحقیق بر روی هر نسخهٔ خطی، به هر یک از زبان‌های اسلامی به سهولت میسر شده‌است. ایشان در مرحلهٔ بعد، به فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی، میکروفیلم‌ها، اسناد و مدارک تاریخی در این مرکز پرداختند و موازی با آن، کار بر روی یک فهرست‌واره شامل معرفی تمامی نسخه‌های خطی فارسی موجود در جهان را آغاز کردند.

اکنون پس از ۱۸ سال، آثار زیر حاصل تلاش و پژوهش استاد منزوی در مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است:

۱- فهرست نسخه‌های خطی (در ۳ مجلد که ۲ مجلد آن چاپ شده و بقیه در دست چاپ است)

۲- فهرست نسخه‌های عکسی (در ۳ مجلد که یک مجلد چاپ شده‌است و بقیهٔ آن در حال چاپ است)

۳- فهرستوارهٔ کتاب‌های فارسی (پیرامون ۲۵ مجلد که ۱۰ مجلد آن چاپ شده‌است)

روش فهرست‌نگاری

این مقاله، نگاه خود را تنها به فهرست نسخه‌های خطی معطوف داشته و بر آن است تا با بررسی اجمالی ۳مجلد از فهرست نسخه‌های مرکز دائرةالمعارف، شیوهٔ فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی در این مرکز و نیز چگونگی معرفی این نسخه‌ها را در کاتالوگ‌های تهیه شده مورد بحث قرار دهد. اما پیش از پرداختن به این موضوع، لازم است به انواع فهرست‌نگاری نسخه‌های خطی که در ایران رایج است، اشاره‌ای کوتاه شود.

دو شیوهٔ زیر، روش‌هایی است که بیشترین استفاده را نزد فهرست‌نگاران ایرانی دارد:

الف - فهرست ساده یا نامگو: این روش، بیشتر در یک دههٔ اخیر در ایران باب شده‌است و از سوی نسل جدید فهرست‌نگار، توجه بیشتری بدان می‌شود. در این روش، بیشتر به ذکر نام کتاب و مؤلف آن، و شمارهٔ راهنمای کتابخانهٔ مربوطه اکتفا می‌گردد. مانند:

- فهرست نسخه‌های خطی کتابخانهٔ انستیتوی شرق‌شناسی ابوریحان بیرونی در تاشکند توسط آقای علی موجانی.

- فهرست الفبایی کتابخانهٔ آستان قدس رضوی در مشهد، توسط آقای آصف فکرت.

ب - فهرست توصیفی: از قدیمی‌ترین روش‌های فهرست‌نگاری در یکصد سال اخیر ایران است و پیشگامان این شیوه مانند ابن یوسف شیرازی و یوسف اعتصامی در فهرست نسخه‌های خطی کتابخانه مجلس شورا از این شیوه بهره

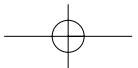
یکی از مؤسسات فرهنگی که در دو دههٔ اخیر در ایران پا گرفته و توانسته‌است در گسترش و ارتقاء دائرةالمعارف‌نویسی تأثیر به سزایی در فرهنگ معاصر ایران بر جای نه‌د، مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی است. این مرکز در سال ۱۳۶۲ به همت جناب آقای کاظم موسوی بجنوردی و به پشتوانهٔ علمی نسل قدیم استادان ایرانی که دورهٔ بازنشستگی خود را می‌گذراندند، در تهران تأسیس شد. هدف اولیهٔ بنیانگذار آن، تدوین دائرةالمعارفی بود که بتواند مهم‌ترین موضوعات فرهنگ ایران و اسلام را در یک مجموعهٔ واحد ارائه دهد. اکنون که ۲۴ سال از آن تاریخ می‌گذرد، با چاپ ۱۴ مجلد از این مجموعه، منظور و مقصود اولیه از تأسیس این مرکز، تا اندازهٔ زیادی برآورده شده‌است. از همان ابتدا، تحقیق در باب موضوعات مختلف فرهنگی، نیازهایی را در میان محققان این مرکز ایجاد کرد که اولین و مهمترین آنها ایجاد کتابخانه‌ای غنی شامل اساسی‌ترین منابع پژوهش در باب فرهنگ ایران و اسلام بود. این کتابخانه خیلی زود پا گرفت و به شکل‌های مختلف از جمله خرید کتاب و قبول کتاب‌های اهدائی، به جمع‌آوری مآخذ مورد نیاز محققان خود پرداخت. از سوی دیگر موفقیت در چاپ مجلدات مختلف دائرةالمعارف و استمرار آنها و نیز تثبیت این مرکز به عنوان یکی از مراکز پایه در فرهنگ ایران، دو حادثهٔ مهم را پیش آورد.

x اولین حادثه رویکرد نسلی جدید از محققان ایرانی به این مرکز بود که در حال فارغ التحصیلی از دانشگاهها بودند. آنها به این مرکز آمدند و اندک اندک در کنار استادان مجرب و قدیمی (که در حال حاضر شماری از آنها درگذشته‌اند)، بالیدند و اکنون خود به صاحبشرانی مورد وثوق و مورد اعتماد مبدل گشته‌اند.

x دومین حادثه که به بحث ما مربوط می‌شود، شناخته شدن این مرکز برای خانواده‌های فرهنگی و قدیمی ایران و نیز صاحبان آثار مکتوب ارزشمند (خطی و چاپی) بود، کسانی که به دنبال آن بودند تا مجموعه‌های خود را به یک مرکز اولاً تثبیت شده و ثانیاً معتبر از نظر علمی هدیه کنند. در سال ۱۳۶۸، نخستین مجموعه از سوی خانوادهٔ سلطانی (پروفسور شیخ الاسلامی) به این کتابخانه هدیه شد و تا این زمان شمار اهداء‌کنندگان به ۲۳ خانواده می‌رسد.

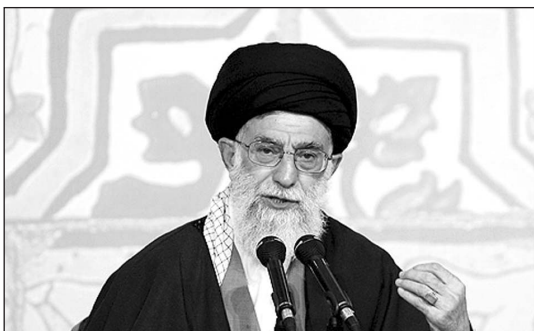
اهدای این آثار سبب شد که گنجینه‌ای بی‌نظیر در کنار مخازن کتاب‌های چاپی شکل بگیرد و در مدتی کوتاه، مجموعه‌ای ارزشمند از نسخه‌های خطی، اسناد و مدارک تاریخی و میکروفیلم نسخه‌های خطی در دیگر کتابخانه‌ها، در آن فراهم بیاید. نسخه‌هایی که بسیاری از آنها در جهان منحصر به فرد هستند و عمدتاً از سوی کسانی مانند خانوادهٔ سلطانی، خانوادهٔ مشکور، استاد فتح‌الله مجتبائی، استاد ایرج افشار و استاد احمد منزوی به این مرکز هدیه شده‌است. طولی نکشید که حجم این نسخه‌ها از یک سو و نیز ارزش والای آنها از سوی دیگر سبب شد، مسئولین مرکز، اقدام به ایجاد یک بخش مجزا برای تحقیق بر روی این نسخه‌ها و نیز فهرست‌نگاری آنها کنند. این بخش حدود سال ۱۳۶۹ به سرپرستی استاد احمد منزوی، یکی از مشهورترین فهرست‌نگاران ایرانی شکل گرفت.

استاد منزوی در طول ۵۰ سال تحقیق و پژوهش بر روی نسخه‌های خطی ایرانی و اسلامی،



رهبر معظم انقلاب :

اهانت به مقدسات شیعه و سنی حرام شرعی و خلاف قانونی است



هیچ تأثیری ندارد؛ ملت ایران راهی را که هدفی را که انتخاب کرد، با قدرت تمام خواهد رفت و به آن هدف خواهید رسید.

سلفی، شیعه را کافر میدانند؛ سنی محب اهل بیت را هم کافر میدانند؛ سنی پیرو طریقه های عرفانی و قادری را هم کافر میدانند! این فکر غلط از کجا سرچشمه میگیرد؟ همه ی مردم شیعه در سراسر دنیا، مردم سنی شافعی در شمال آفریقا، یا مالکی در کشورهای آفریقائی مرکزی- که اینها محب و دوستدار اهل بیتند؛ طریقه های عرفانی اینها به اهل بیت منتهی میشود- کافرند؛ چرا؟ چون به مرقد حسین بن علی در قاهره احترام میگذارند و مسجد رأس الحسین را مورد تقدیس قرار میدهند؛ به این جهت اینها کافرند! شیعه که کافر است؛ سنی سقری و سنیندجی و مریوانی هم اگر با طریقه ی قادری یا نقش بندی ارتباط داشته باشد، او هم کافر است! این فکر، چه فکری است؟ چرا با این فکر غلط و شوم بین برادران مسلمان اختلاف ایجاد بشود؟ به آن شیعه ای هم که از روی نادانی و غفلت، یا گاهی از روی غرض- این را هم سراغ داریم و افرادی را هم از بین شیعیان میشناسیم که فقط مسئله شان مسئله نادانی نیست، بلکه مأموریت دارند برای اینکه ایجاد اختلاف کنند- به مقدسات اهل سنت اهانت میکند، عرض میکنم: رفتار هر دو گروه حرام شرعی است و خلاف قانونی است.

عزیزان من! همه ی ملت ایران! وحدتتان را قدر بدانید. این اتحاد برای این کشور، اتحاد بسیار پرشکوه و پریرکتی است. اتحاد را قدر بدانید، همدلی را قدر بدانید، همکاری را قدر بدانید، همراهی دولت با ملت را قدر بدانید، مردم دوستی دولت را قدر بدانید. دولت هم ایمان مردم را، حماسه ی مردم را، شور و شوق جوانان را و روح ابتکار و فعالیت و کارآفرینی را در نسلهای رو به رشد این کشور قدر بدانند و از این نیروها استفاده کند که ان شاءالله همین جور هم خواهد شد.

فراموش نکنند، اما فرهنگ غربی، آداب غربی، رسوم غربی، تفکر غربی و روش و منش غربی را بپذیرد! اینجور اعلان کردند. این فریاد مذلت بار را در کشور ما آن کسانی که به دین پشت کرده بودند، سر دادند. معلوم است؛ وقتی یک کشوری همه چیز خود را از دست داد و از درون تهی شد، استعمار انگلیس براحتی میتواند بر همه چیز او- نفت او، ارتش او، دارائی او، دستگاه سیاسی او- تسلط پیدا کند؛ کار در دوران پهلوی به جایی رسیده بود که شاه خائن برای اینکه فلان کس را بعنوان نخست وزیر معین نکند، مجبور بود با سفیر انگلیس- و بعدها با سفیر آمریکا- در میان بگذارد و در واقع از او استجازه کند و اجازه بگیرد. این تاریخ دردبار گذشته ی ماست. این ضد عزت ملی است. حکومتهای دیکتاتوری وابسته و فاسد، ملت ایران را از اریکه ی عزت فرود آوردند؛ نه علم او را توسعه دادند، نه دنیای او را درست کردند، بلکه آخرتش را هم از او گرفتند و لباس اسارت بر او پوشاندند. انقلاب اسلامی در مقابل یک چنین وضعیتی قیام کرد. در مقابل یک چنین مصیبت بزرگی انقلاب اسلامی و امام بزرگوار ایستاد و ملت ایران خون خود را در این راه نثار کرد و به پیروزی رسید.

وقتی یک چنین روحیه ای در میان مردمی حاکم شد، دستگاه سیاسی آن کشور و آن ملت هم به طور طبیعی نوکرمآب میشود: در مقابل مردم خود مثل سگ درنده و گرگ خونخوار، اما در مقابل دشمنان مثل بره رام! آسد علی و فی الحروب نعامه. همان رضاخانی که بخصوص در نیمه ی دوم سلطنتش آنجور با مردم خود با خشونت رفتار کرده بود- که مردم جرئت نفس کشیدن نداشتند؛ توی خانه های خودشان پدر به فرزند و فرزند به پدر اعتماد نمیکرد- در مقابل یک پیغام ساده ی انگلیسی ها که گفتند باید از سلطنت کناره گیری، مثل موش مرده از سلطنت کناره گرفت و از کشور خارج شد! همین طور محمد رضای پهلوی؛ محمد رضای پهلوی در سالهای دهه ی چهل و دهه ی پنجاه شدیدترین فشارها را بر این ملت و بر مبارزان و بر آزادیخواهان- خشن؛ بدون اندک ملاحظه ای از مردم- وارد کرد؛ اما همین آدم در مقابل سفیر آمریکا و سفیر انگلیس خشوع و خضوع میکرد و از آنها حرف میشنفت! ناراحت هم بود، اما مجبور بود. این حکومت یک ملتی است که از عزت ملی محروم است.

یکی از اساسی ترین قلمهائی که انقلاب اسلامی به ما ملت ایران عطا کرد، احساس عزت بود. امام بزرگوار ما مظهر عزت بود. آن روزی که امام علناً فرمود آمریکا هیچ غلطی نمیتواند بکند، اوج اقتدار سیاسی و نظامی آمریکا در دنیا بود. امام احساس عزت را به این مردم برگرداند و انقلاب احساس عزت را به ملت ایران برگرداند. امروز ایرانی به ایرانی بودن خود و به مسلمان بودن خود افتخار میکند. امروز قدرتمندان عالم هم اعتراف میکنند که در مقابل ملت ایران، تهدید آنها، قدرت نظامی آنها و تبلیغات سیاسی آنها

همان هدفهای پلیدی است که داشته اند؛ جوانها هوشیار باشند، خانواده ها هشیار باشند، مسئولین هشیار باشند. ما از موجودیت و تمامیت کشورمان دفاع میکنیم؛ ما با همه ی توان از اسلام عزیز دفاع میکنیم؛ ما تا امروز در مقابل رعد و برق توخالی استکبار ترسیدیم و عقب نشینی نکرده ایم، بعد از این هم نخواهیم ترسید و عقب نشینی نخواهیم کرد.

یک مطلب اساسی و کلی را به این مناسبت عرض بکنم. برادران و خواهران عزیز! اسلام برای ساخت یک جامعه ی سرافراز و پویا خصوصیات را ترسیم کرده و راه رسیدن به آنها را برای ملت مسلمان و امت اسلامی در طول تاریخ تبیین کرده است. یکی از این نشانه ها و خصوصیات عزت ملی است؛ عزت. همچنانی که یک فرد مایل است ذلیل نباشد و عزیز باشد، از آرزوهای بزرگ یک ملت هم این است که عزیز باشد و ذلیل نباشد. عزت ملی چیست؟ عزت ملی عبارت است از اینکه یک ملت در خود و از خود احساس حقارت نکند. نقطه ی مقابل احساس عزت، احساس حقارت است؛ یک ملت وقتی به درون خود- به سرمایه های خود، به تاریخ خود، به موارث تاریخی خود، به موجودی انسانی و فکری خود- نگاه میکند، احساس عزت و غرور کند، احساس حقارت و ذلت نکند. این یکی از چیزهائی است که برای یک ملت لازم است. قرآن در موارد متعددی به این معنا اشاره کرده: "يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ". منافقان با خودشان گفتگو میکردند که ما عزیزیم و مسلمانان را- که ذلیلند- از مدینه خارج خواهیم کرد! خداوند به پیغمبر وحی فرستاد که اینها اینجور میگویند، لیکن نمیفهمند و نمیدانند؛ آنکه عزیز است مؤمنانند؛ عزت از آن خداست و از آن پیامبر خدا و از آن مؤمنان بالله. این یک تابلو درخشانی است که همیشه جلوی چشم امت اسلامی باید قرار داشته باشد؛ عزت ملی. اگر یک ملتی احساس عزت نکند، یعنی به داشته های خود- به آداب خود، به سنن خود، به زبان خود، به الفبای خود، به تاریخ خود، به مفاخر خود و به بزرگان خود- به چشم حقارت نگاه کند، آنها را کوچک بشمارد و احساس کند از خودش چیزی ندارد، این ملت براحتی در چنبره ی سلطه ی بیگانگان قرار میگردد.

استعمارگران از قرنهای شانزده و هفده که وارد سرزمینهای شرق- از جمله سرزمینهای اسلامی- شدند، برای اینکه بتوانند کاملاً کمند اسارت را به دست و پای این ملتها ببندند و آنها را اسیر خود بکنند، شروع کردند آنها را نسبت به گذشته ی خود، نسبت به داشته های خود، نسبت به مذهب خود، نسبت به آداب خود و نسبت به لباس خود بدبین کردن. اینها عبرت آموز است؛ کار به جایی رسید که در زمان اوائل مشروطیت در این کشور، یک روشنفکر گفت: ایرانی باید از سر تا به پا فرنگی بشود! یعنی دینش راه اخلاقتش راه لباسش راه خطش راه گذشته اش را و مفاخرش را کنار بگذارد و

من اطلاع دارم و میدانم که بحمدالله در این استان و در طول این سالها، خدمات بسیار زیاد و بسیار بزرگی انجام گرفته که آن روزها در مخیله ی کسی خطور نمیکرد. در این استان و در طول این سالها، اینقدر کار عمرانی انجام گرفته است که یک فهرست طولانی را تشکیل میدهد: راه ها، سدها، کار توزیع انرژی، کار توزیع آب، مخابرات و شاخصهای گوناگون توسعه. همین حالا در این استان حدود نوزده سد در حال احداث است. هرگز آن روزها کسی به ذهنش هم خطور نمیکرد که این کارها انجام بگیرد؛ این کارها شده است. اما در عین حال آنچه میتوانست بشود و آنچه که باید میشد، از این بسیار بیشتر است. بسیاری از کارها در این استان انجام نشده است که باید همت مسئولان متوجه این نقاط بشود.

استان مشکلاتی دارد. آنجوری که من احساس میکنم و مطالعه میکنم، در درجه ی اول مشکل این استان عبارت است از اولاً مسئله ی اشتغال، ثانیاً مسئله ی سرمایه گذاری. اشتغال مسئله ی مهمی است. امروز نسبت بیکاری در این استان نسبتاً بالاست، در حالی که جوانهای آماده ی به کار حضور دارند. کارهای خیلی خوب و کارهای زیادی شده، اما کارهای دیگری و بیشتری باید انجام بگیرد. خدا را شکر میکنم که امروز برخلاف دوران طاغوت، دولتها خودشان به سراغ مردم می آیند. یک روزی بود که مردم باید زحمت میکشیدند، تلاش میکردند تا به حضور دولتها برسند؛ امروز به برکت اسلام، دولتها هستند که راه می افتند و به استانهای مختلف، شهرهای مختلف و دورافتاده ترین نقاط کشور میروند؛ رئیس جمهور میروند، وزیر میروند، مسئولین گوناگون میروند. مردم بعضی از این جاهائی که رئیس جمهور در آنجاها حضور پیدا میکند، میگویند ما در دوران گذشته یک مدیرکل را هم در اینجا ندیده بودیم! راست هم میگویند. این از برکت اسلام است. اسلام حکومتها را موظف میکند که به دشوارترین کارها و به ضعیف ترین مردم بیشتر بپردازند تا به کارهای آسان؛ و خوشبختانه امروز این وجود دارد. خدا را سپاسگزاریم. این راه هم در پایان این بخش از عرایضم عرض بکنم: جوانان عزیز بدانند، توطئه های استکبار خنثی شده، اما تمام نشده است. هوشیاری مردم مؤمن و آماده به کاری مسئولان کشور، تا امروز توطئه های دشمنان را نسبت به این استان و نسبت به جریانهای مشابه خنثی کرده؛ اما نباید فکر کرد که دشمن دست کشیده و ساکت نشسته و از دنبال کردن اهداف شوم خودش منصرف شده؛ نه، هشیاری باید ادامه پیدا کند. بدانید که دشمنان ایران اسلامی میخواهند ایران یکپارچه نباشد و اسلام بر این کشور حاکم نباشد. آن قدرتمندان مستکبری که توانسته اند اغلب کشورها و دولتهای دنیا را زیر نفوذ سیاستهای خودشان قرار بدهند، تا امروز نتوانسته اند نظام جمهوری اسلامی را- که متکی به این مردم شجاع و مؤمن است- تسلیم خودشان بکنند و در مقابل خودشان به زانو دربیایند؛ عصبانی اند. روشها را عوض میکنند، اما هدفها

بعثت

نشریه مرکز بررسیهای اسلامی

دو هفته نامه سیاسی، اجتماعی، فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیرمسئول:

سید هادی خسروشاهی

سر دبیر:

سید محمود خسروشاهی

دفتر مرکزی:

ق:م: خیابان شهدا (صفائییه) نبش ممتاز

تلفکس: ۷۷۴۱۴۲۳

صندوق پستی: ۱۳۶

لیتوگرافی: سپهر اسکنر چاپ: سپهر